

واژگان کتاب دهم

ویازدهم

کتاب دهم

درس اول	۸
درس دوم	۱۳
درس سوم	۱۸
درس چهارم	۲۳
آزمون واژگان عربی دهم ۱، ۲، ۳، ۴	۲۸
درس پنجم	۲۹
درس ششم	۳۴
درس هفتم	۳۸
درس هشتم	۴۲
آزمون واژگان عربی دهم ۵، ۶، ۷، ۸	۴۶
آزمون واژگان عربی دهم	۴۷

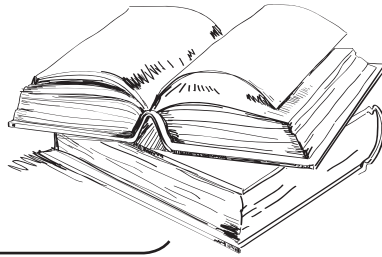
کتاب یازدهم

درس اول	۴۹
درس دوم	۵۴
درس سوم	۵۹
درس چهارم	۶۴
آزمون واژگان عربی یازدهم ۱، ۲، ۳، ۴	۶۸
درس پنجم	۶۹
درس ششم	۷۳
درس هفتم	۷۷
آزمون واژگان عربی یازدهم ۵، ۶، ۷	۸۱
آزمون واژگان کل عربی یازدهم	۸۲

واژگان بخش مهمی از برنامه عربی کتاب‌های نظام جدید را تشکیل می‌دهد. براساس اهداف تعریف‌شده کتاب درسی، ما باید تا پایان سال یازدهم حدود ۱۵۰۰ واژه مهم و پرکاربرد زبان عربی را یاد گرفته باشیم. این واژه‌ها در قرآن، حدیث، روایات، و البته در زبان ادبیات فارسی بسیار زیاد به کار رفته‌اند؛ یعنی دانستن آن‌ها فقط به درد موفقیت در آزمون‌های چهارگزینه‌ای نمی‌خورد، بلکه برای خواندن و فهمیدن قرآن و احادیث، و حتی فهمیدن بسیاری از متن‌ها و شعرهای فارسی هم به کار می‌آیند.

در این بخش، برای هر درس، فعل‌ها و اسم‌ها و اصطلاح‌های کل درس، یعنی متن درس و همه تمرین‌ها، به صورت جداگانه جدول شده‌اند و بعد از آن‌ها کلمه‌های مترادف و متضاد و جمع‌های مکسر و مصدرهای مهم هر درس آمده است. این دسته‌بندی‌ها برای پاسخ‌گویی به سؤالات بسیار مفید هستند. علاوه بر این، مجموعاً نزدیک به ۲۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای از واژگان در این بخش داریم که هم بعد از هر درس و هم به صورت دوره‌ای تنظیم شده‌اند. در این مجموعه، تقریباً از همه واژگان مهم کتاب‌های درسی سؤال وجود دارد.

انتظارات آموزشی



آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:

۱۶ فعل، ۲۱ اسم، ۴ اصطلاح

۱۳ مترادف

۱۷ متضاد

۱۴ جمع مکسر

۱۴ مصدر بی قاعده

یادگیری این موارد به شما یاری می‌دهد تا بتوانید یک متن عربی را به خوبی بفهمید و ترجمه کنید.

یادگیری



فعل ها

ماضی	مضارع	مصدر
سَقَى	يُسْقِي	سَقَاتَن
مَنْ سَقَى فِيهِ بَصْرَةً؟ چه کسی در او، دیده‌اش را شکافت؟		
صَيَّرَ	يُصَيِّرُ	تَبْدِيل کردن، گردانیدن
صَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ اغْتِرَارِ خَضِرَةٍ زمین را بعد از غبار آلودگی، سرسبز گردانید.		
عَيَّنَ	يُعَيِّنُ	مَعَيَّن کردن، مشخص کردن
عَيَّنَ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ ترجمه درست را مشخص کن.		
قَالَ	يَقُولُ	گفتن
قَالَ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟ بگو چه کسی میوه را از آن خارج می‌کند؟		
قَتَلَ	يَقْتُلُ	کشتن
لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ خودتان را نکشید.		
كَمَّلَ	يَكْمُلُ	کامل کردن، تکمیل کردن
كَمَّلَ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ ترجمه آیه‌ها را کامل کن.		
نَمَا	يَنْمُو	رشد کردن، رشد و نمو کردن
كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ؟ چگونه از دانه‌ای رشد کرد؟		
وَضَعَ	يَضَعُ	قرار دادن، گذاشتن، وضع کردن
وَضَعَ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مَنَاسِبَةً در جای خالی، کلمه مناسب را قرار بده.		

ماضی	مضارع	مصدر
أَخْرَجَ	يُخْرِجُ	دراوردن، بیرون کردن، اخراج کردن
مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَةَ؟ چه کسی میوه را از آن بیرون می‌آورد؟		
أَدْخَلَ	يُدْخِلُ	داخل کردن
أَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا آن‌ها را در رحمتمان داخل کردیم.		
أَنْزَلَ	يُنْزِلُ	فروداوردن، نازل کردن
مَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ چه کسی بارانش را از آن نازل کرد؟		
أَوْجَدَ	يُوجِدُ	پدیدآوردن، ایجاد کردن
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟ چه کسی آن را در هوا همچون اخگر پدید آورد؟		
تَرْجَمَ	يُترْجِمُ	برگرداندن، ترجمه کردن
تَرْجِمَ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ فعل‌های زیر را ترجمه کن.		
جَهَّزَ	يُجَهِّزُ	آماده کردن، تجهیز کردن
مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرَةٍ؟ چه کسی آن را به نیرویی اندیشمند مجهز کرد؟		
دَارَ	يَدُورُ	چرخیدن، دورزدن
الْقَمَرُ يَدُورُ دَوْرَ الْأَرْضِ ماه به دور زمین می‌چرخد.		
زَانَ	يَزِينُ	زینت دادن، تزیین کردن
زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ آن را با ستارگانی همچون مرواریدهای پراکنده، زینت داد.		

عربی	فارسی
شَرَرَة	زبانۀ آتش، اخگر
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوْثِ مِثْلَ الشَّرَرَةِ؟ چه کسی است که این را در هوا همچون اخگر بوجود آورد؟	
ضياء	روشنایی
فيها ضياءٌ. در آن روشنایی ای هست.	
عُصُون	شاخه‌ها
الشَّجَرَةُ ذاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةِ. درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.	
غَيْمٌ	ابر
أَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ. به ابر نگاه کن.	
الْفَرَاغُ	جای خالی
صَحَّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً در جای خالی کلمه مناسب را قرار بده.	
قَاعَة	سالن
فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ در سالن فرودگاه	
مُسْتَعْرَة	فروزان
الشَّمْسُ جَذُوئُهَا مُسْتَعْرَة. خورشید شعله آتشش فروزان است.	
مُتَفَكِّرَة	اندیشمند
قُوَّةٌ مُتَفَكِّرَةٌ نیروی اندیشمند	
مُنْهَمَرَة	ریزان
أَنْعَمَ اللَّهُ مُنْهَمَرَةً. نعمت‌های خداوند ریزان است.	
نَضْرَة	تر و تازه
الشَّجَرَةُ ذاتِ الْعُصُونِ النَّضْرَةِ. درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.	

عربی	فارسی
إِغْبَار	تیره‌رنگی، آلودگی
صَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ إِغْبَارِ خَضِرَة با آن زمین را، پس از تیرگی ، سرسبز کرد.	
أَنْعَمَ	نعمت‌ها
أَنْعَمُهُ مِنْهُمْ. نعمت‌هایش ریزان است.	
أَنْجَمٌ	ستارگان
زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجَمٍ. خداوند آسمان را با ستارگانی زینت داد.	
بَالِغٌ	کامل، بالغ
حِكْمَةٌ بِالْغَةِ اندیشه‌ای کامل	
التَّعَاوُفُ	یکدیگر را شناختن. آشنا شدن
التَّعَاوُفُ فِي الْمَطَارِ آشنایی در فرودگاه	
جَذَوَة	پاره آتش، اخگر
الشَّمْسُ جَذُوئُهَا مُسْتَعْرَة. خورشید اخگرش فروزان است.	
خَضِرَة	سرسبز
صَيَّرَ الْأَرْضَ بِه بَعْدَ إِغْبَارِ خَضِرَة. آن زمین را، پس از تیرگی و غبار آلودگی، سرسبز کرد.	
دُرَرٌ	مروریدها
زَانَهُ بِأَنْجَمٍ كَالدَّرَرِ الْمُنْتَشِرَةِ. آن را با ستارگانی همچون مروریدهای پراکنده آراست.	
ذَا	این، اسم اشاره به نزدیک
مَنْ ذَا الَّذِي ... این چه کسی است که ...	
ذَاكَ	آن، اسم اشاره به دور
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ. آن همان خداوند است.	
ذَاتٌ	دارای
الشَّجَرَةُ ذاتِ الْعُصُونِ درخت دارای شاخه‌های تر و تازه است.	

اصطلاح	معنی
إِنْ شَاءَ اللَّهُ	اگر خدا بخواهد.
مَعَ الْأَسْفِ	متأسفانه
مُسْتَعِيناً	به کمک
أَكْتُبُ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ	مفرد اسم‌ها را به کمک فرهنگ لغت درس، بنویس.

مترادف ها

کلمه	معنی	مترادف
مَهْلًا	صبر	صبراً
ناجح	موفق	فائز
نجم	ستاره	کوکب

کلمه	معنی	مترادف
ذاک	آن	ذلک
رَقَدَ	خوابید	نام
ضیاء	نور	نور
غیم	ابر	سحاب
مُجِدّ	سخت کوش	مُجْتَهِد

کلمه	معنی	مترادف
أب	پدر	والد
أُمّ	مادر	والدة
أَوْمَر	دستور بده	مُر
جَذْوَة	اخگر	شَرَرَة
ذا	این	هذا

متضاد ها

کلمه	معنی	متضاد
مسرور	شاد	حَزین
مَسْمُوح	مجاز	ممنوع
ناجح	موفق	راسِب
نهایه	پایان	بدایه
یَمین	راست	یَسار

کلمه	معنی	متضاد
دنیا	دنیا	آخرة
رجالی	مردان	نسائی
رخصه	ارزان	غالیه
شراء	فروش	بَيع
صديق	دوست	عَدُوّ
قريب	نزدیک	بعید

کلمه	معنی	متضاد
أراذل	فرومایگان	أفاضل
أرذل	فرومایه	أَفْضَل
أصدقاء	دوستان	أعداء
إِفْتِتَاح	شروع	إِخْتِتام
جميل	زیبا	قبيح
حُزن	اندوه	سرور

مفرد و جمع ها

مفرد	معنی	جمع
نجم	ستاره	نجوم / أنْجُم
نعمه	نعمت	أنعم / نِعم
نَفْس	نفس، خود	أنفُس / نُفوس
يَوْم	روز	أيام

مفرد	معنی	جمع
دُرّ	مروارید	دُرر
عُصن	شاخه	عُصون
قَصَل	فصل	قُصول
لون	رنگ	ألوان
مَلَبَس	پوشاک	مَلابِس

مفرد	معنی	جمع
أرذل	فرومایه	أراذل
أَفْضَل	شایسته	أفاضل
باب	در	أبواب
بَحْث	پژوهش	أبحاث
حَجَر	سنگ	أحجار

مصدر ها

مصدر	معنی	ماضی	مضارع
الْقَوْل	گفتن	قَالَ	يَقُولُ
الْقَتْل	کشتن	قَتَلَ	يَقْتُلُ
الْقُدْرَة	توانستن، قادر بودن	قَدَرَ	يَقْدِرُ
الْكِتَابَة	نوشتن	كَتَبَ	يَكْتُبُ
النَّظَر	نگاه کردن	نَظَرَ	يَنْظُرُ
التَّفْع	سود بُردن	كَفَعَ	يَنْفَعُ
النُّمُو	رشد کردن	نَمَا	يَنْمو

مصدر	معنی	ماضی	مضارع
الْجَعْل	قرار دادن	جَعَلَ	يَجْعَلُ
الدَّوْران	چرخیدن	دَارَ	يَدورُ
الدُّخول	وارد شدن	دَخَلَ	يَدْخُلُ
الرَّيْن	زینت دادن، آراستن	زَانَ	يَزِينُ
الظُّلم	ظلم کردن	ظَلَمَ	يَظْلِمُ
العَيش	زندگی کردن	عَاشَ	يَعِيشُ
العَمَل	کار کردن	عَمَلَ	يَعْمَلُ

تمرین تست

الگوی اول:

- * مشخص کردن درست و نادرست در مترادف و تضاد
- * تعیین کردن جملاتی که در آن‌ها واژه‌های مترادف و متضاد وجود دارد

الگوی دوم:

- * مشخص کردن درست و نادرست در مورد مفرد و جمع
- * تشخیص تعداد جمع‌ها

الگوی سوم:

- * تشخیص درستی یا نادرست معنی لغات
- * پر کردن جای خالی با واژه مناسب
- * مشخص کردن لغت مناسب با توجه به توضیحات و تعریف ذکر شده در صورت سؤال
- * مشخص کردن واژه غیرمرتبط از نظر معنی

از هریک از این الگوها ممکن است انواع مختلفی سؤال مطرح شود:

در همه این نوع سؤال‌ها شما باید معنی واژه‌ها و مترادف‌ها و متضادهای آن را بدانید. طبیعتاً اگر می‌توانستید واژه‌نامه را با خودتان به جلسه آزمون ببرید، هیچ مشکلی وجود نداشت ولی می‌دانیم که این کار غیر ممکن است! بنابراین باید واژه‌ها و مترادف‌ها و متضادهای جمع‌های مکسر را حفظ باشید.

الگوی اول

- عَيْنَ الْجَمَلَةِ الَّتِي فِيهَا الْمُتَرَادِفُ.
 ۱ إذا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ.
 ۲ مَنْ زَرَعَ الْعُدُونَ وَالْحَسَدَ حَصَدَ الْخُسْرَانُ.
 ۳ اللَّهُ خَلَقَ الشَّمْسَ الَّتِي فِيهَا ضِيَاءٌ وَزَانَ اللَّيْلَ بِنُورِ الْأَنْجُمِ.
 ۴ أَنْظِرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

الگوی دوم

- عَيْنَ الصَّحِيحِ عَنِ الْجَمْعِ.
 ۱ فُسْتَانٌ = فُسَاتِينُ / حَجَرَةٌ = أَحْجَارُ
 ۲ غُصْنٌ = غُصُونُ / نِعْمَةٌ = أَنْعَمُ
 ۳ صَوْمٌ = صِيَامٌ / ذَرٌّ = ذُرَرُ
 ۴ عَدُوٌّ = عُدُوَانُ / غَيْمٌ = غَيُومُ

الگوی سوم

- عَيْنَ الْمُنَاسِبِ لِمَعْنَى الْأَفْعَالِ عَلَى التَّوَالِي.
 ۱ إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.
 ۲ رَحِمَ كَرْدٌ - رَحِمَ مِي كَنِي
 ۳ رَحِمَ كَرْدٌ - بِه تُو رَحِمَ كَنْد
 ۴ إِنْ تَخِبِ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاعِينِ عَلَى التَّوَالِي «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ»
 آنچه را
 ۱ نگویند - انجام نمی‌دهند
 ۲ چرا می‌گویید - انجام نمی‌دهید
 ۳ چرا می‌گفتند - انجام نمی‌دادند
 ۴ چرا می‌گویند - انجام ندادید
- عَيْنَ الْخَطِ فِي تَرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.
 ۱ أَنْظِرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً = فِرْوَزَانُ
 ۲ ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ = كَامِلُ
 ۳ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ = بِا ستاره‌ای
 ۴ وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ = يَاد نيكو

۶. اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ حَسَبَ الْكَلِمَاتِ الْمُتَنَاسِبَةِ.

- ۱ غَمِيم - كوكب - قمر - إغبرار
۲ غَمِيم - كوكب - قمر - إغبرار
۳ نَصْرَة - قاعة - خَصْرَة - جَمِيلَة
۴ صَدَق - أداءِ الأمانة - عَفُو - وقار

۷. ما هو الخطأ حسب التوضيحات.

- ۱ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يُنْزَلُ مِنْهُ الْمَطَرُ وَ الثَّلْجُ = السَّحَاب
۲ الْأَحْجَارُ الْغَالِيَةُ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ = الدُّرَر
۳ كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ وَ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ = النُّجُوم
۴ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ = الْفُسْتَان

«مشاوره»

چگونه واژه‌ها را حفظ کنیم؟ راه مرسوم این است که از اول واژه‌نامه کتاب حفظ کردن واژه‌ها را شروع کنید. این کار شدنی است، ولی به نظر ما خیلی جواب نمی‌دهد! بهترین راه این است که خودتان معنی را به دست بیاورید. این کار ممکن است در ابتدا کمی سخت به نظر بیاید، ولی به زودی می‌بینید نه تنها بسیار کار ساده و لذت‌بخشی است که نتیجه بسیار بهتری هم دارد: شما هرگز معنی واژه‌ای را فراموش نخواهید کرد!

قواعد کتاب دهم

ویاز دهم

کتاب دهم

درس اول	۸۵
درس دوم	۹۵
درس سوم	۱۰۰
درس چهارم	۱۰۵
آزمون قواعد عربی دهم ۱، ۲، ۳، ۴	۱۰۷
درس پنجم	۱۰۹
درس ششم	۱۱۵
درس هفتم	۱۱۹
درس هشتم	۱۲۴
آزمون قواعد عربی دهم ۵، ۶، ۷، ۸	۱۲۸
آزمون قواعد عربی دهم	۱۳۰

کتاب یازدهم

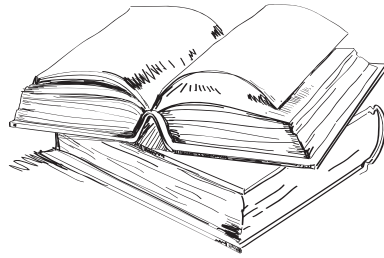
درس اول	۱۳۲
درس دوم	۱۳۷
درس سوم	۱۴۱
درس چهارم	۱۴۵
آزمون قواعد عربی یازدهم ۱، ۲، ۳، ۴	۱۵۰
درس پنجم	۱۵۱
درس ششم	۱۵۴
درس هفتم	۱۵۹
آزمون قواعد عربی یازدهم ۵، ۶، ۷	۱۶۲
آزمون قواعد کل عربی یازدهم	۱۶۳

ف واعد تمرکز اصلی برنامه عربی کتاب‌های نظام جدید بر قواعد نیست. در این کتاب‌ها قرار بر این است که قواعد در خدمت ترجمه و درک مطلب باشند. با توجه به این اصل و با پرهیز از بیان مطالبی که در حوزه اهداف کتاب درسی نیست، در این بخش همه قواعد به صورت درس به درس با بیانی ساده و کاربردی بازگو شده‌اند. همچنین برای اینکه کاربرد این قواعد و انواع سؤال‌هایی که از این قواعد ممکن است طرح شوند را بشناسید، الگوهای مختلف تستی و روش پاسخ‌گویی به آن‌ها برای هر درس آمده است.

تعداد سؤال‌اتی که برای هر درس این قسمت تنظیم شده‌اند متناسب با اهمیت قواعد آن درس است. به این ترتیب، مجموعاً نزدیک به ۴۰۰ پرسش چهارگزینه‌ای قواعد در این بخش داریم که به صورت درس به درس و دوره‌ای آمده‌اند. در این مجموعه تعداد زیادی از سؤال‌اتی که در کنکورهای نظام قدیم وجود داشته‌اند و با اهداف و قواعد کتاب‌های نظام جدید سازگار هستند هم، با ذکر منبع، ارایه شده‌اند.

انتظارات آموزشی

آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:
 فعل مجهول را در زبان عربی، در ماضی و مضارع، بشناسید و آن را از فعل معلوم تشخیص دهید.
 فاعل و نایب فاعل را بشناسید و انواع آن‌ها را تشخیص دهید.



یادگیری



فعل مجهول:

وقتی یک فعل متعدی باشد، یعنی علاوه بر فاعل به مفعول هم نیاز داشته باشد، می‌توان فاعل را حذف کرد و فعل را به مفعول نسبت داد. چنین فعلی فعل مجهول نامیده می‌شود.
 اگر فعلی مجهول باشد، فاعل در جمله ذکر نمی‌شود و تغییراتی در ظاهر فعل ایجاد می‌شود. فعل مجهول، به جای فاعل، نایب فاعل دارد. نایب که فاعل فعل مجهول است همان مفعول جمله معلوم است.
 تشخیص و ترجمه صحیح فعل‌های مجهول، برای شما ضروری است.

برای تشخیص فعل مجهول به موارد زیر توجه کنید:

الف- پیش از هر چیز دقت داشته باشید که فعل‌های لازم، یعنی فعل‌هایی که به مفعول نیازی ندارند، هرگز مجهول نمی‌شوند؛ چون این فعل‌ها مفعولی ندارند که فعل را به آن‌ها نسبت دهیم.
ب- در فعل‌های ماضی، اگر حرکت حرف اول فعل ضمه (ـَ) باشد، فعل مجهول است^۱. در ماضی، مجهول دومین حرف اصلی فعل نیز کسره دارد

مثال: سَمِعَ: شنید (معلوم) ← سُمِعَ: شنیده شد (مجهول)

ج- در فعل‌های مضارع، باز هم حرکت حرف اول فعل ضمه (ـَ) است ولی حرکت دومین حرف اصلی آن، یعنی حرف یکی به آخر در مضارع مفرد مذکر غایب نیز باید فتحه (ـِ) باشد.

مثال: يَكْتُبُ: می‌نویس ← يُكْتُبُ: نوشته می‌شود.

نکته

باید به نکته‌ای در فعل‌های مضارع دقت کرد:

در بعضی از باب‌های ثلاثی مزید، در فعل معلوم هم حرف مضارعه ضمه دارد ولی دومین حرف اصلی آن‌ها کسره دارد نه فتحه بنابراین باید حتما کنترل کنیم که دومین حرف اصلی آن فتحه است یا کسره؛ اگر فتحه باشد حتما مجهول است و اگر کسره باشد معلوم است.

برای مثال فعل‌های مانند يَكْرِمُ، يُنْزِلُ و يُكَاتِبُ معلوم هستند.

* در فعل‌های مضارع، فقط خود فعل را در نظر می‌گیریم؛ یعنی حواستان باشد که در فعل مستقبل، یعنی فعلی که قبل از آن «سَ» آمده است و معنی آینده می‌دهد، حرف اول مضارع «سَ» نیست. فعل مضارع همیشه با یکی از چهار حرف «ی، ت، ن، ا» آغاز می‌شود.

مثال: سَيُنْزِلُ: فرو خواهد فرستاد ← سَيُنْزِلُ: فرو فرستاده خواهد شد.

۱. موارد معدودی از فعل‌ها وجود دارند که در آن‌ها حرف اول فعل ماضی ضمه دارد ولی مجهول نیست مانند قَلْنَ و هم‌چنین فعل‌هایی داریم که حرف اول آن‌ها در ماضی ضمه ندارد ولی مجهول هستند مانند: قیل (یادگیری اینگونه فعل‌ها در محدوده کتاب‌های درسی نیست)

د) برای تشخیص معلوم یا مجهول بودن فعل توجه به معنی آن در جمله ضروری است. دقت کنید که فعل مجهول در زبان فارسی با فعل کمکی «شدن» ترجمه می‌شود. مثال: يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ ← تبهکاران شناخته می‌شوند.

کاربرد تستی:

۱- عَيْنُ الْجُمْلَةِ الَّتِي فِيهَا الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ:

۱] اِسْتَخْرَجَ الْاِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْاَرْضِ.

۳] مَا اِنْقَطَعَ رَجَائِي بَعْدَ الْاِمْتِحَانِ.

پاسخ: پاسخ گزینه ۴ است.

۲] يُعَلِّمُنَا مَدِيرُ مَدْرَسَتِنَا دَرَسَ الْحَرِّيَّةِ.

۴] تُنْقَلُ مُشْتَقَّاتُ النَّفْطِ مِنَ الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوَقُودِ.

فعل‌های گزینه‌های ۱ و ۳ ماضی هستند و از نظر ظاهر شبیه فعل مجهول نیستند زیرا هیچکدام از آن‌ها، حرف اول ضمه ندارد. به علاوه «ما اِنْقَطَعَ» در گزینه ۳ به معنی «قطع نشد» یک فعل لازم است و مجهول نمی‌شود. و در گزینه ۱ نیز، هم فاعل داریم (الانسان) و هم مفعول (النَّفْطَ). در گزینه ۲، يُعَلِّمُ مضارع است و حرف اول آن هم ضمه دارد، ولی حرکت حرف ماقبل آخر آن به جای فتحه، کسره است و نشان می‌دهد که مجهول نیست. این فعل بر وزن يُفَعِّلُ مضارع باب تفعیل است؛ ولی در گزینه ۴، هم ظاهر فعل شبیه فعل مجهول است و هم معنی جمله: «فراورده‌های نفت از پالایشگاه‌ها به ایستگاه‌های سوخت منتقل می‌شوند.»

نایب فاعل

در فعل مجهول، فاعلی وجود ندارد و فعل به اسمی نسبت داده می‌شود که قبلاً مفعول بوده است. به این اسم نایب فاعل گفته می‌شود. نایب فاعل، مانند فاعل، مرفوع است؛ به عبارت دیگر، نایب فاعل اسم مرفوعی است که بعد از فعل مجهول می‌آید و فعل به آن نسبت داده می‌شود. * تشخیص نایب فاعل برای فعل مجهول کاملاً مانند تشخیص فاعل برای فعل معلوم است. یعنی کلمه‌ای است که در جواب «چه کسی؟» یا «چه چیزی؟» بیاید نایب فاعل فعل مجهول است.

مثال:

يُسْمَعُ صَوْتُ ← چه چیزی شنیده می‌شود؟
نایب فاعل صدایی ← نایب فاعل

انواع فاعل و نایب فاعل:

اگر بعد از فعل اسمی داشته باشد که در جواب «چه کسی؟» یا «چه چیزی؟» بیاید، این اسم فاعل (یا نایب فاعل) نامیده می‌شود. این نوع از فاعل (یا نایب فاعل) را اسم ظاهر می‌نامند. (توجه داشته باشید که این اسم نباید ضمیر باشد)

مثال:

<u>يُسْمَعُ صَوْتُ</u> نائب فاعل	<u>يَسْمَعُ الْوَلَدُ صَوْتًا</u> فاعل
-------------------------------------	---

* ولی گاهی فاعل (یا نایب فاعل) ممکن است ضمیر باشد:
* اگر دقت کنید در فعل‌های ماضی و مضارع، در بعضی صیغه‌ها، علامت‌های خاصی در انتهای فعل دیده می‌شود. این علامت‌ها، همان ضمیرهای فاعلی هستند. در این صورت فاعل (نائب فاعل) از نوع ضمیر بارز است.

مثال:

<u>سَمِعْتُ</u>
(ضمیر بارز «ت» در <u>سَمِعْتُ</u> فاعل است)

و گاهی نیز فاعل (یا نایب فاعل) ضمیری است که درون فعل است و «ضمیر مستتر» نامیده می‌شود.

مثال:

سَمِعْتُ

(ضمیر مستتر «أنا» در این فعل، فاعل است: «من می‌شنوم»)

نکته

در صیغه‌های مفرد غائب (فَعَلَ، فَعَلْتُ، تَفَعَّلَ، يَفْعَلُ، تَفْعَلْنَ، يَفْعَلْنَ)، فاعل (یا نایب فاعل) ممکن است اسم ظاهر یا ضمیر مستتر باشد، ولی در سایر صیغه‌های ماضی و مضارع، فاعل (یا نایب فاعل) حتماً ضمیر است (بارز یا مستتر). اگر شناسه‌ای در پایان فعل وجود داشت، فاعل ضمیر بارز است و اگر شناسه وجود نداشت، ضمیر مستتر.

کاربرد تستی

۲- عَيِّنْ نوع الفاعِلَيْنِ بالترتيب: «قَالَ لَنَا عَامِلٌ: نَشْعُرُ بِالتَّعَبِ عِنْدَ الْعَمَلِ هَذَا الْيَوْمَ»

۱ الإسم الظاهر / الإسم الظاهر ۲ الضمير المستتر / الضمير المستتر

۳ الإسم الظاهر / الضمير المستتر ۴ الضمير البارز / الضمير البارز

پاسخ: گزینه ۳ صحیح است.

«قال» مفرد مذکر غائب است و فاعل آن ممکن است اسم ظاهر باشد و اگر بپرسیم (چه کسی به ما گفت؟) عامل، در جواب می‌آید که ضمیر نیست؛ بنابراین، فاعل از نوع اسم ظاهر محسوب می‌شود. «نشعر» مفرد غائب نیست؛ پس فاعل آن حتماً ضمیر است و چون شناسه‌ای در آخر فعل وجود ندارد، فاعل آن ضمیر مستتر است. با توجه به صیغه و معنی فعل، فاعل این فعل «ضمیر مستتر نحن» است.

تمرین تستی

شناخت الگوهای تستی

الگوی دوم

تشخیص فاعل یا نایب فاعل و انواع آن

الگوی اول

تشخیص فعل مجهول

الگوی اول

تشخیص فعل مجهول

روش پاسخگویی:

برای تشخیص معلوم یا مجهول بودن فعل، به موارد زیر توجه کنید:

- ۱- اصطلاح (مبتنیاً للمجهول) در صورت سوال‌ها معادل همان فعل مجهول است و ربطی به معرب یا مبنی بودن فعل ندارد.
- ۲- اگر بپرسند «عَيْنَ الْفِعْلِ الَّذِي يُمكنُ أَنْ يُبْنَى لِلْمَجْهُولِ» باید فعلی را پیدا کنید که اولاً متعدی باشد و ثانیاً امرمخاطب نباشد؛ اگر فعل لازم و یا امر مخاطب باشد حتماً معلوم است زیرا این موارد مجهول نمی‌شوند.
- ۳- ماضی یا مضارع بودن فعل را تشخیص دهید.
- ۴- اگر ماضی است و حرف اول آن ضمه دارد، مجهول است. (جز فعل‌هایی مثل قُلْتُ که بررسی آن‌ها در برنامه درسی شما نیست).
- ۵- اگر مضارع است ضمه داشتن حرف اول کافی نیست و باید حرف ماقبل آخر اصلی آن نیز فتحه داشته باشد.

٦- اگر پرسیده شود «در کدام گزینه فاعل نداریم؟» یعنی یا اصلاً در جمله فعل نداریم یا اگر داریم آن فعل مجهول است. پس چنین سؤالی در واقع به تشخیص فعل مجهول برمی گردد (و هم چنین اگر بپرسند «در کدام گزینه نایب فاعل نداریم؟» یعنی کدام فعل معلوم است).

٧- برای تشخیص فعل معلوم یا مجهول در جمله توجه به معنای جمله ضروری است ضمناً دقت کنید که آیا در جمله مفعول داریم.

٢٩٢. عَيْنُ مَا فِيهِ «الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ»:

١ سَاعَدَتِ الْمُمْرَضَتَانِ الْمَرَأَةَ فِي الْمُسْتَشْفَى.

٢ يُنْشِدُ الشَّاعِرُ قَصِيدَةً رَاحَةً.

٣ تَأَذَّبَ الْوَلَدُ وَامْتَنَعَ عَنِ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ.

٤ تَسَحَّبَ الْأَسْمَاكُ إِلَى السَّمَاءِ وَتَأَخَّذُ إِلَى مَكَانٍ بَعِيدٍ.

٢٩٣. عَيْنُ الْفِعْلِ الْمَجْهُولِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ: «النَّاسُ يُسَمُّونَ هَذَا الْإِحْتِفَالَ «مِهْرَجَانَ الْمَطَرِ» وَ يَتَجَمَّعُونَ وَ يَفْرَحُونَ وَ آبَاءُهُمْ يُكْرِمُونَ»:

١ يُسَمُّونَ

٢ يَتَجَمَّعُونَ

٣ يَفْرَحُونَ

٤ يُكْرِمُونَ

٢٩٤. كم فعلاً مجهولاً في الجملة التالية: «عَلَيْكُمْ أَنْ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ فَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»

١ واحد

٢ اثنان

٣ ثلاثة

٤ ليس فيها فعل مجهول

٢٩٥. عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي كُلُّ أَفْعَالِهَا مَعْلُومٌ:

١ قَدْ أَكَلَ الطَّعَامُ وَ لَكِنِّي مَا أَكَلْتُهُ.

٢ أَعْرِفُكَ وَ أَعْلَمُ أَنَّ الصَّدِيقَ الْحَقِيقِيَّ يُعْرِفُ عِنْدَ الصَّعَابِ.

٣ أُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ وَ أَشْتَرِيهَا لِمَمْلَائِي.

٤ أُنْزِلَ اللَّهُ السَّكِينَةَ عَلَيْنَا وَ نَحْنُ أَكْرَمُنَا.

٢٩٦. عَيْنُ مَا حُذِفَ فِيهِ «الْفَاعِلُ»:

١ نَظَرَ التَّلْمِيزُ إِلَى مُعَلِّمِهِ شُكْرًا لَهُمْ.

٢ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ.

٣ خُلِقْتُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى.

٤ إِعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ يُحَاوِلُ بَثَّ الْخِلَافِ بَيْنَكُمْ.

٢٩٧. ما هو الصَّحِيحُ لِلْفَرَاغِ: «... الْمَحَاصِيلُ الزَّرَاعِيَّةُ فِي مَزَارِعٍ فَلَّاحَى بِلَدِنَا.»

١ تُزْرَعُ

٢ يَزْرَعُونَ

٣ زَرَعَتْ

٤ زُرِعَ

٢٩٨. عَيْنُ مَا كُلُّ أَفْعَالِهِ مُضَارِعٌ مَعْلُومٌ:

١ يُخْبِرُ، يُعْرِسُ، يُحَاوِلُ

٢ يُرْسِلُ، يُنْزِلُ، يُنْتِجُ

٣ أُعْلِنَ، بُشِّرَ، أُتْرِكَ

٤ تُكَاتِبِينَ، نُشَاهِدُ، تُكَلِّمِينَ

٢٩٩. أَيُّ عِبَارَةٍ لَيْسَ فِيهَا نَائِبُ الْفَاعِلِ؟

١ يُأْمُرُ الْمُسْلِمُونَ إِلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ.

٢ أُرْسِلَ لَزِيَارَةِ هَذَا الْمَكَانِ فَرِيقٌ آخَرٌ.

٣ سَتُشَاهِدُ نَجَاحَ بَنَتِكَ بَعْدَ هَذِهِ الْأَيَّامِ.

٤ تَأْخُذُ الْأَسْمَاكُ مِنَ الْبَحْرِ لِلطَّبْخِ.

٣٠٠. عَيْنُ الْخَطِئِ عَنِ الْفَعْلَيْنِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ: «أَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.»

١ الفعل المعلوم / الفعل المجهول

٢ الفعل المعلوم / الفعل المضارع من باب تفعيل

٣ الفعل الأمر / الفعل المعلوم

٤ الفعل الثلاثي المجرد / الفعل الثلاثي المزيد

٣٠١. ماهو الصَّحِيحُ عَمَّا أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطِّ:

١ لَايَنْتَفِعُ أَحَدٌ بِالْإِصْرَارِ عَلَى الْعُدْوَانِ. — نَائِبُ الْفَاعِلِ وَ اسْمُ مَذَكَّرٍ

٢ بُعِثَ أَخِي إِلَى الدُّكَّانِ لِشِرَاءِ الْخُبْزِ. — الفعل المجهول وَ نَائِبُ فاعله «أخ»

٣ يَكْتَسِبُ النَّاسُ الْمَعَالِيَ بِقَدْرِ كَدِّهِمْ. — الفعل المعلوم من باب تفعيل

٤ يُكْرِمُنِي الْمُعَلِّمُ فِي الصَّفِّ دَائِمًا. — نَائِبُ الْفَاعِلِ

٣٠٢. عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ عَلَى التَّرْتِيبِ:

«طَلَّبَ مَدِيرُ الْمَدْرَسَةِ مِنْ شَرْطِيِّ الْمُرُورِ أَنْ يَشْرَحَ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فَهُوَ عَلَّمَهَا التَّلَامِيذَ وَ شَرَحَتْ الْإِشَارَاتُ الْأَظْمَرُ لَهُمْ.»

١ الفعل المعلوم / الفعل المجهول / الفعل الماضي / الفعل المعلوم

٢ الفعل الثلاثي المجرد / الفعل المضارع / الفعل الثلاثي المجرد / الفعل المجهول

٣ الفعل الماضي / الفعل المزيد / الفعل المجهول / مفرد مؤنث مخاطب

٤ الفعل الماضي / المضارع المعلوم / من باب تفعيل / الفعل المجهول

٣٠٣. عَيْنُ الْفِعْلِ الَّذِي يُمَكِّنُ أَنْ يُبْنَى لِلْمَجْهُولِ:

١ حَدَّثَتْ تَصَادُمٌ أَمَامِي فِي الشَّارِعِ.

٢ رَجَعْتُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا وَ جَلَسْتُ عَلَى الْمَائِدَةِ.

٣ أَمَرَنِي أَبِي بِالْعُبُورِ مِنْ مَمَرٍ مُشَاهِدٍ.

٤ إِبْتَدَأَ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدَ فَأَذْهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

۳۰۴. عَيْنُ الْفَعْلِ الَّذِي لَا يُنَاسِبُ الْجُمْلَةَ مِنْ حَيْثُ الْمَعْنَى: (سراسری خارج از کشور ۹۳ با تغییر)

- ١) الأمثال و الحكم تُستعمل لبيان ما في سريرة المستضعفين.
٢) قد أُسست هذه الأماكن لعلاج المرضى المستضعفين.
٣) أنشأت المعلمة هذه الطالبة لأنها تعتمد عليها.
٤) ستقرأ أخبار مهمّة في المحلات العلمية.

٣٠٥. ما هو الصحيح في أسلوب العبارة عنايةً بالفعل:

- ١ يُبَشِّرُ الْمُدْرَسُ أَحَدَ تَلَامِيذِهِ بِالنَّجَاحِ فِي الْإِمْتِحَانِ. ٢ مُنَعَ أَخِي الْمَرِيضُ عَنِ الْعَمَلِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ. ٣ سَمِعْتُ الطِّفْلَةَ صَوْتًا غَرِيبًا مِنْ بَعْدِ. ٤ نَعْرِفُ أَصْدِقَاءَنَا الْمُخْلِصِينَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ.

٣٠٦. عَيْنُ الْفِعْلِ الثَّلَاثِي الْمَزِيدَ مَبْنِيًّا لِلْمَجْهُولِ:

- ١** تَحَبَّبْتُ مِنْ أَعْمَالِهِ الْكَبِيرَةِ فِي هَذَا السَّنِّ.
٢ أُرْسِلَتْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ مُبَشَّرَةً بِنَجَاحِ أَهْلِهَا.
٣ انْتَصَرَ الْمُسْلِمُونَ وَ سُلِّتَ قُدْرَةُ الظَّالِمِينَ.
٤ تَشَجَّعَ الْأَبُ وَأَوْلَادُهُ عَلَى طَلَبِ الْعِلْمِ.

الگوی دوم

تشخیص فاعل یا نایب فاعل و انواع آن

روش پاسخگویی:

تشخیص نایب فاعل کاملاً شبیه تشخیص فاعل است. برای تشخیص به موارد زیر توجه کنید:

- ۱- به صیغه فعل توجه کنید.
- ۲- اگر مفرد غائب نباشد، فاعل یا نایب فاعل، حتماً ضمیر است در این صورت به انتهای فعل توجه کنید:
- الف-** اگر شناسه‌ای بعد از حرف آخر اصلی فعل داشته باشید، همان شناسه، ضمیر بارز است.
- ب-** اگر شناسه‌ای نداشته باشید، ضمیر مستتر است.
- ۳- اگر مفرد مذکر یا مؤنث غایب باشد:
- الف-** پرسید چه کسی؟ چه چیزی؟ اگر کلمه‌ای بعد از فعل، در جواب بیاید که از نظر جنس با فعل هماهنگ است، فاعل یا نایب فاعل اسم ظاهر است.
- ب-** اگر کلمه مناسبی بعد از فعل، در جواب نداشته باشید، ضمیر مستتر هو یا هی است.
- ۴- آخر فاعل یا نایب فاعل یکی از این علامت‌ها را می‌بینید (ء، ؤ، ان، وں)

٣٠٧. عَيْنُ نَائِبِ الْفَاعِلِ فِي الْجُمْلَةِ التَّالِيَةِ: «تُرَيَّنُ فِي الْأَيَّامِ الْمَاطِرَةِ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ بِأَلْوَانٍ جَمِيلَةٍ».

- المطر ١ السَّمَاءُ ٢ الأرض ٣ جميلة ٤

٣٠٨. عَيْنُ نَائِبِ الْفَاعِلِ إِسْمًا ظَاهِرًا:

- ١ صَوْتُ الْإِنْفَجَارِ سُمِعَ مِنْ بَعِيدٍ.
 ٢ أَنْتَخَبَ هَذَا الشَّابُّ لِأَنَّهُ شَابٌّ صَالِحٌ.
 ٣ نَحَرْتُمْ مِنْ أَجْلِ زَحَامَتِنَا وَنَحْنُ فَرِحُونَ.
 ٤ أَرْسَلَ اللَّهُ الْأَنْبِيَاءَ لِهَدَايَتِنَا.

۳۰۹. عَيْنُ نَائِبِ الْفَاعِلِ ضَميراً مُسْتَتِراً: (سراسری ۹۳)

- ١) كانت عقولكم قد غُسلت فَعَبِّرَتْ طريقة حياتكم!
٢) لن تُؤَيِّدَ أراءَ هذا العالم في الجلسات العلميّة.
٣) إِنِّي أُرْسِلْتُ لِلتَّعْلِيمِ و لإِتِّمَامِ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ!
٤) مُنْعِنَا مِنَ التَّكَاسُلِ و إلقاءِ أُمُورِنَا عَلَى الْآخِرِينَ!

٣١٠. عَيَّنَ الْخَطَأَ فِي نَوْعِ نَائِبِ الْفَاعِلِ: (آزاد ٨٧)

- ١ هذا الذي رزقنا من قبل. (ضمير بارز)
- ٢ أفلا ينظرون إلى الإبل كيف خلقت. (ضمير بارز)
- ٣ المرأة المسلمة مُنِعت من التكاثر. (ضمير مستتر)
- ٤ كُنت عليكم الصابم. (اسم ظاهر)

٣١١. عَيْنٌ مَا فِيهِ الْإِسْمُ الظَّاهِرُ وَالضَّمِيرُ الْمُسْتَتَرُّ نَائِبِينَ عَنِ الْفَاعِلِ مَعًا:

- ١** تُشْجَعُ الْأُخْتَانِ اللَّتَانِ تَحُولَانِ كَثِيرًا.
٢ تُخَرَّرُ فِلَسْطِينُ مِنْ أَيْدِي الْغَاصِبِينَ وَ تُحْتَرَمُ.
٣ أُعْرِفَ هَذَا الطَّالِبُ وَأُحْتَرِمَ وَالِدُهُ فِي الْحَفْلَةِ.
٤ لَا تُكْرَمِينَ وَلَكِنْ يُكْرَمُ أَخُوكَ.

ترجمه کتاب دهم

ویازدهم

کتاب دهم

۱۶۶	درس اول
۱۷۴	درس دوم
۱۷۷	درس سوم
۱۸۰	درس چهارم
۱۸۳	آزمون ترجمه عربی دهم ۱، ۲، ۳، ۴
۱۸۴	درس پنجم
۱۸۷	درس ششم
۱۹۰	درس هفتم
۱۹۳	درس هشتم
۱۹۴	آزمون ترجمه عربی دهم ۵، ۶، ۷، ۸
۱۹۵	آزمون ترجمه عربی دهم

کتاب یازدهم

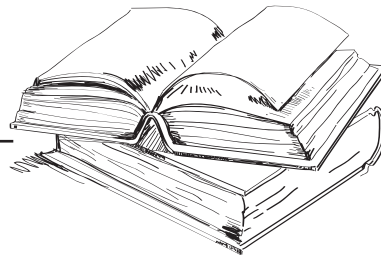
۱۹۹	درس اول
۲۰۲	درس دوم
۲۰۵	درس سوم
۲۰۸	درس چهارم
۲۱۱	آزمون ترجمه عربی یازدهم ۱، ۲، ۳، ۴
۲۱۲	درس پنجم
۲۱۵	درس ششم
۲۱۸	درس هفتم
۲۲۱	آزمون ترجمه عربی یازدهم ۵، ۶، ۷
۲۲۲	آزمون ترجمه کل عربی یازدهم



ترجمه بخش مهم دیگری از برنامه عربی کتاب‌های نظام جدید است. جمله‌های کتاب درسی شما شامل متن درس‌ها، متن مکالمه‌ها، و تعداد زیادی آیه قرآنی و حدیث و البته تعدادی ضرب‌المثل و جمله حکیمانه و چند بیت شعر فارسی آمیخته با عربی است. ما، در بخش ترجمه، تقریباً همه این جملات مهم را پوشش داده‌ایم؛ یعنی نهایت تلاشمان را به خرج داده‌ایم که جمله‌ای در کتاب نباشد که در بخش ترجمه تستی از آن نیامده باشد.

در این بخش، بعد از بیان نکات مهم ترجمه‌ای هر درس و مثال‌های آموزشی، آزمونی هم با تمرکز بر جملات همان درس آمده است و آزمون‌های دوره‌ای بعد از هر چهار درس و هر کتاب نیز در نظر گرفته شده است. مجموعاً نزدیک به ۲۵۰ پرسش چهارگزینه‌ای ترجمه در این بخش داریم و در این مجموعه، تقریباً از همه جملات مهم کتاب‌های درسی سؤال وجود دارد.

انتظارات آموزشی



آنچه انتظار داریم در پایان این درس بدانید:
تأثیر حروف اضافه در تغییر معنای فعل
شناسایی و ترجمه اعداد اصلی و ترتیبی
نحوه ترجمه چهار عمل اصلی محاسبه ریاضی

یادگیری



تأثیر برخی حروف اضافه در تغییر معنای را بدانید.

حروف اضافه می‌توانند روی معنای فعل تأثیر بگذارند. در این درس، می‌بینیم حرف «بِ» برخی فعل‌های لازم را به متعدی تبدیل می‌کند. به مثال‌های زیر توجه کنید:

جاء = آمد ← جاء ضيوفنا الأعزاء: میهمانان عزیزمان آمدند.
جاء بِ = آورد ← جاء صديقي بِوردةٍ لضيوفنا الأعزاء: دوستم برای میهمانان عزیزمان گلی آورد.

أتى = آمد ← أتى التلاميذُ إلى المكتبة = دانش‌آموزان به کتابخانه آمدند.
أتى بِ = آورد ← أتى التلاميذُ بِكتابٍ = دانش‌آموز کتابی را آورد.

قام = ایستاد ← قام الطالبُ و سلمَ على أستاذهم: دانش‌آموزان ایستادند و به استادشان سلام کردند.
قام بِ = اقدام کرد، پرداخت، عمل کرد: قام التلميذُ بِإداء واجباته: دانش‌آموز به انجام تکالیف خود پرداخت.

ذهب = رفت ← ذهب المريضُ إلى المستشفى: بیمار به بیمارستان رفتند.
ذهب بِ = بُرد ← ذهب الأطباءُ بالمريضِ إلى المستشفى: پزشکان بیمار را به بیمارستان بردند.

تذکر

اگر بعد از فعل جاء، یک اسم منصوب بیاید به صورت «نزد ... آمد» ترجمه می‌شود. (درباره اسم‌های منصوب در بخش قواعد مطالب زیادی خواهید آموخت.)

مثال: التلاميذ جاؤا أستاذهم؛ أستاذ در این جمله، منصوب است، یعنی حرف آخر آن فتحه دارد؛ پس ترجمه‌ی جمله چنین است: دانش‌آموزان نزد استادشان آمدند.

ترجمه اعداد اصلی و ترتیبی (یک تا صد) را بدانیم.

در ترجمه اعداد به موارد زیر توجه کنید:

* دو عدد (واحد و اثنان، اثنین) در عربی پس از اسم مربوط به خودشان می‌آیند، ولی در ترجمه فارسی قبل از آن اسم قرار می‌گیرند.

مثال: قرأتُ کتاباً واحداً: یک کتاب را خواندم.

* در اعداد ۲۱- تا ۹۹ (به جز عقود)، در عربی ابتدا یکان ذکر می‌شود، ولی در فارسی ابتدا دهگان می‌آید.

مثال: واحدٌ و عشرون: بیست و یک (۲۱)

ترجمه چهار عمل اصلی ریاضی را بدانیم.

- * زائد: جمع (خمسۀ زائدُ أربعة) $\rightarrow (5=4)$
- * ناقص: تفريق (تسعون ناقصُ عشرة) $\rightarrow (90-10)$
- * ضرب في (في): ضرب (أربعة ضرب في ثلاثة = أربعة في ثلاثة) $\rightarrow (4 \times 3)$
- * تقسيم على (على): تقسيم (عشرون تقسيم على خمسة) $\rightarrow (20 \div 5)$
- * يساوي: مساوي است با (عشرة في أربعة يساوي أربعين) $\rightarrow (10 \times 4 = 40)$
- * لا يساوي: مساوي نیست با ... (عشرة في أربعة لا يساوي ثمانين)
- * في مئة: درصد (ثمانين في المئة = 80)

تمرین تست

روش پاسخگویی:

در سؤال‌های ترجمه دو الگوی کلی وجود دارد:

الگوی اول

ترجمه‌های چندعبارتی

الگوی دوم

ترجمه‌های یک‌عبارتی

یادآوری

مراحل پاسخگویی به سوال‌های ترجمه را به یاد داشته باشید:

- ۱- یافتن موارد کلیدی
- ۲- رد گزینه‌ها براساس موارد کلیدی (حداقل ۲ گزینه)
- ۳- مقایسه گزینه‌های باقیمانده با صورت سوال

الگوی اول

ترجمه‌های یک‌عبارتی:

عَيْنُ الْأَصْحِّ وَالْأَدَقُّ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْأَسْئَلَةِ (۸-۱)

۴۲۵. «كَانَتْ ثَلَاثُ مُدْرَسَاتٍ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَغَ الْمُدْرَسَةُ مِنَ التَّلْمِيزَاتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمُدْرَسِيِّ.»

- ۱ سه معلم بعد از پایان ساعت کار، منتظر ماندند که مدرسه خالی از دانش‌آموزان شود.
- ۲ سومین معلم منتظر می‌ماند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود و ساعت کار درسی تمام شود.
- ۳ سه معلم بعد از پایان ساعت کار مدرسه، منتظر می‌مانند که مدرسه از دانش‌آموزان خالی شود.
- ۴ سی معلم پس از اتمام ساعات کار مدرسه، منتظر بودند که دانش‌آموزان مدرسه را خالی کنند.

۵۲۵. «شَكَرْتُ صَدِيقِي وَ طَلَبْتُهُ إِطْفَاءَ مَصَابِيحِ الْحُجَرَاتِ.»

- ۱ از دوستم سپاسگزاری کردم و از او خواستم که چراغ‌های اتاق‌ها را خاموش کند.
- ۲ دوستم را سپاس گفتم و از او خواستم چراغ‌های اتاق را خاموش کند.
- ۳ از دوستم تشکر کردم و از او خاموش کردن چراغ اتاق را درخواست کردم.
- ۴ از دوستم تشکر می‌کنم و از او می‌خواهم که چراغ‌های اتاق‌ها را روشن کند.

۶۲۵. «طَلْتُ أُمِّي أَنِّي فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ أَوْ أُمَارِسُ نَشَاطًا حُرًّا فِي صَفٍّ آخَرَ.»

- ۱ مادرم تصور کرد که من در حال تقویت هستم و فعالیت آزاد در کلاس دیگر انجام می‌دهم.
- ۲ مادرم گمان می‌کرد که من در زنگ تقویتی بودم یا مشغول تمرین با نشاطی در کلاس دیگری بودم.
- ۳ مادرم گمان کرد که من در زنگ تقویتی هستم یا فعالیت آزاد در کلاسی دیگر انجام می‌دهم.
- ۴ مادر تصور کرد که من در برنامه تقویتی شرکت دارم و با نشاط و آزاد در کلاس دیگران فعالیت دارم.

۵۲۷. فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِي، قَامَ مَعْلَمُنَا بِتَوْزِيعِ خَمْسَةِ عَشَرَ قِثَالًا بَيْنَنَا.

- ۱ صبح روز قبل، معلم ما اقدام به پخش کردن پانزده تابلو در میان ما کرد.
- ۲ صبح فردا، معلممان مشغول پخش پنجاه تندیس در میان ما می‌شود.
- ۳ صبح روز بعد، معلم به پاخواست و تندیس پانزدهم را به ما داد.
- ۴ صبح روز بعد، معلم ما اقدام به پخش پانزده تندیس در بین ما کرد.

۸۲۵. «هؤلاء مواطنون يشعرون بالمسؤولية وينصحون من يرمي النفايات في الحقائق العامة.»
- ۱ اینجا شهروندانی هستند که احساس مسئولیت می کنند و کسی را که زباله ها را در پارک های عمومی می اندازد نصیحت می کنند.
 - ۲ اینجا هم وطنانی هستند که مسئولیت دارند و هر کس را که در باغ های عمومی آشغال ها را می ریزند نصیحت می کنند.
 - ۳ این هم وطنان احساس مسئولیت می کنند و کسانی را که در پارک ها زباله می اندازند نصیحت می کنند.
 - ۴ این شهروندان احساس مسئولیت می کردند و کسی را که در گردشگاه های عمومی زباله ها را جمع می کرد نصیحت می کردند.

۹۲۵. «في هذا الفندق واحدة وعشرون حجرة ولكن تيار الكهرباء مقطوع في ثمانين في المئة من ها.»
- ۱ در این هتل ها، بیست و یک اتاق هست و جریان برق در هشتاد درصد آن ها وجود دارد.
 - ۲ در این هتل بیست و یک اتاق هست ولی جریان برق در هشتاد درصد آن ها قطع شده است.
 - ۳ در این یک هتل، بیست اتاق هست ولی چراغ برق در هشت درصد از اتاق ها خاموش است.
 - ۴ در این هتل، دوازده اتاق وجود دارد اما جریان برق در هشتاد درصد از آن ها قطع می شود.

۹۳۵. «هل تعلم ليست من المناسب كتابة هذا الحديث على اللوحة الجدارية؟»
- ۱ آیا دانستی نوشتن سخن بر روی تابلو دیواری مناسب نیست؟
 - ۲ آیا می دانی مناسب است که این سخن را بر روی تابلو دیواری بنویسی؟
 - ۳ آیا می دانید نوشتن آن گفتار بر روی تابلوهای دیواری مناسب نیست؟
 - ۴ آیا می دانی نوشتن این گفتار روی تابلو دیواری مناسب نیست؟
۱۳۵. «بعد انتهاء الدوام الدراسي كانت الطالبة تذهب لإغلاق حنفية الماء التي كانت مفتوحة.»

بعد از اتمام ساعت کار مدرسه ...

- ۱ دانش آموز برای بستن شیر آب که باز مانده بود می رفت.
- ۲ دانش آموز برای بستن شیر آب باز مانده، رفته بود.
- ۳ دانش آموزان برای بستن شیر آب که باز مانده بود می روند.
- ۴ دانش آموز برای بستن شیر آب باز رفت.

الگوی دوم

ترجمه های چند عبارت:

۵۲۲. عین الصحیح:

- ۱ هَلْ جِئْتُ إِلَى مَا زَنْدَرَانِ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ؟ آیا دو بار است که به ما زندران آمده ای؟
- ۲ مَا أَجْمَلَ هَذِهِ الْبِلَادَ وَأَنَا أُحِبُّهَا كَثِيرًا: این سرزمین زیبا نیست ولی من آن را بسیار دوست دارم.
- ۳ كَانَ يَعِيشُ زَائِرًا مِنْ مَشْهَدٍ الْمُقَدَّسَةِ فِي هَذَا الْبَيْتِ مِنْ قَبْلُ: زائری از مشهد مقدس از مدت ها قبل در این خانه زندگی می کند.
- ۴ قُلْتُ لَأُمِّي أَنَا جَائِعٌ جِدًّا وَلَكِنَّهَا قَالَتْ لِي: إِنَّ طَعَامَ الْوَاحِدِ يَكْفِي الْاِثْنَيْنِ: به مادرم گفتم من واقعاً گرسنه ام ولی او به من گفت: مسلماً غذای یک نفر برای دو نفر بس است.

۵۳۳. عین الخطأ:

- ۱ يُحِبُّ رَبِّي مَنْ أَخْلَصَ لَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا: پروردگار من، کسی را که چهل روز برای او مخلص شود دوست دارد.
- ۲ تَعْلِيمُ الْآخَرِينَ كَقَرَسِ شَجَرَةِ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضْرَةِ: یاد دادن به دیگران مانند کاشتن درختی دارای شاخه های تر و تازه است.
- ۳ قَبِلْتُ الْمُدْرَسَةَ هَذَا الْإِقْتِرَاحَ الْحَسَنَ: این پیشنهاد به خوبی در مدرسه پذیرفته شد.
- ۴ أَحَافِظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِي مَكْتَبَةِ مَدْرَسَتِنَا: آرامش را در کتابخانه مدرسه مان حفظ می کنم.

۷۱۹. لَا تَسْأَلْ مَنْ لَيْسَ لَهُ عِلْمٌ مِنَ الْعِلْمِ الْطَبِّعَةَ عَنْ أخطَرِ الْأَمْرَاضِ.

- ۱ از کسی که از علوم پزشکی آگاهی ندارد، درمورد خطرناک‌ترین بیماری‌ها نباید سؤال پرسیم.
- ۲ از کسی که از دانش پزشکی آگاهی ندارد، درمورد بیماری‌های خطرناک سؤال نمی‌پرسیم.
- ۳ از کسی که درباره علوم پزشکی علمی ندارد، درمورد خطرناک‌ترین بیماری سؤال نپرسید.
- ۴ از هر که دانشی به علوم طبیعی ندارد، درمورد پرخطرترین بیماری‌ها نباید سؤالی پرسیم.

۷۲۰. عَاهَدَنِي عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبَ فِي حَيَاتِهِ لِأَنَّهُ أُصِيبَ بِالْكَذِبِ بِصَعُوبَاتٍ كَثِيرَةٍ لَنْ يَنْسَاهَا أَبَدًا.

- ۱ به من تعهد داد که در زندگانی دروغ نمی‌گوید؛ زیرا با دروغ به مشکلات بسیار دچار شده که هیچ وقت آن را فراموش نکرده است.
- ۲ به من تعهد داد که در زندگی‌اش دروغ نگوید؛ زیرا با دروغ‌گویی به سختی‌های زیادی دچار شده که هرگز آن‌ها را فراموش نخواهد کرد.
- ۳ به من تعهد بده که در زندگی‌اش دروغ نگوید؛ زیرا با دروغ‌گویی به سختی‌های زیادی دچار شده که هرگز آن‌ها را فراموش نمی‌کند.
- ۴ به من تعهد بده که در زندگی‌اش دروغ نمی‌گوید؛ زیرا با دروغ به مشکلات بسیاری دچار شده که هیچ‌وقت آن را فراموش نخواهد کرد.

۷۲۱. إِنْ أُرِدْتَ أَنْ تُسَافِرَ إِلَى قَرْيَةٍ فِيهَا ذِكْرِيَّاتٌ أَيَّامِكَ الصَّغَرِ اضْبُرْ حَتَّى تَأْتِيَ سَيَّارَةً تَنْقَلِكَ.

- ۱ اگر خواستی به روستا سفر کنی که خاطرات دوران کودکی‌ات است، صبر کن تا ماشین بیاید و تو را جابه‌جا کند.
- ۲ اگر می‌خواهی به روستایی که خاطرات دوران کودکی‌ات در آن است سفر کنی، باید صبر کنی تا ماشین بیاید و تو را جابه‌جا کند.
- ۳ اگر می‌خواهی به روستایی که خاطرات دوران کودکی‌ات در آن است مسافرت کنی، صبر کن تا ماشینی بیاید که تو را جابه‌جا کند.
- ۴ اگر خواستی به روستاهایی که خاطرات دوران کودکی در آن است مسافرت کنی، صبر کن تا ماشینی را جابه‌جا شوی.

۷۲۲. فِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ سَأَلَتِ الْمُدْرِسَةُ التَّلْمِيزَةَ الَّتِي تَجْلِسُ آخِرَ الصَّفِّ عَنْ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ وَلَكِنِّهَا لَمْ تَسْتَطِعْ أَنْ تُجِيبَ.

- ۱ زنگ سوم، معلم از دانش‌آموزی که ته کلاس می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد، ولی او نمی‌تواند پاسخ دهد.
- ۲ سومین زنگ، معلم از دانش‌آموزی که آخر صف می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال می‌کند، ولی او نتوانست پاسخ دهد.
- ۳ زنگ سوم، معلم از دانش‌آموزی که در کلاس دیگر می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد، ولی او نمی‌تواند جواب دهد.
- ۴ زنگ سوم، معلم از دانش‌آموزی که انتهای کلاس می‌نشست در مورد عملیات ریاضی سؤال کرد، ولی او نتوانست پاسخ دهد.

۷۲۳. لِنَعْلَمَ أَنَّ الْاهْتِمَامَ بِالرِّيَاضَةِ وَ أَكْلَ الطَّعَامِ الْمُفِيدِ مِنْ عَوَامِلِ تَسَبُّبِ سَلَامَةِ الْجِسْمِ.

- ۱ باید بدانیم که توجه به ورزش و خوردن غذای مفید از عواملی هستند که باعث سلامتی بدن می‌شود.
- ۲ برای اینکه بدانیم که اهمیت‌دادن به ورزش و خوردن غذاهای مفید از عوامل سلامتی جسم است.
- ۳ باید بدانیم اگر به ورزش توجه کنیم و غذای سودمند بخوریم این عوامل باعث سلامتی جسم می‌شوند.
- ۴ تا بدانیم که توجه به ورزش و خوردن غذای سودمند عاملی است که سبب سلامت جسم می‌شود.

۷۲۴. قَالَ الْمَدِيرُ: كُنْتُ لَا أَعْرِفُ لِمَاذَا لَمْ يَحْضُرْ سِتَّةَ عَشَرَ تَلْمِيزًا فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ وَ لَمْ يَمْتَحِنُوا. «مَدِيرُ گُفْتُ: ...»

- ۱ نمی‌دانم چرا ۲۶ دانش‌آموز در سالن امتحانات حاضر نشدند و امتحان ندادند.
- ۲ نمی‌دانستم چرا ۱۶ دانش‌آموز در سالن امتحان حاضر نشدند و امتحان ندادند.
- ۳ نمی‌دانستم چرا ۱۶ دانش‌آموز در سالن امتحان حاضر نمی‌شوند و امتحان نمی‌دهند.
- ۴ نمی‌دانستم چرا ۲۶ دانش‌آموزی که در سالن امتحان حاضر نشده بودند امتحان ندادند.

۷۲۵. أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ لَا يَقْنُطُ وَ يَجْتَهِدُ حَتَّى يَصِلَ إِلَى أَهْدَافِهِ.

- ۱ آیا نمی‌دانند کسی که بر خدا توکل کند ناامید نمی‌شود و تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.
- ۲ آیا ندانستند کسی که بر خدا توکل می‌کند، او ناامید نمی‌گردد و تلاش خواهد کرد تا به هدف خود برسد.
- ۳ آیا نمی‌دانند که هرکس بر خدا توکل کرد، او ناامید نشد، پس او تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.
- ۴ آیا ندانستند که هرکس بر خدا توکل کند، او ناامید نمی‌شود و تلاش می‌کند تا به اهدافش برسد.

۷۲۶. لِي صَدِيقٌ مُعَوَّقٌ يُحِبُّ أَنْ يُصْبَحَ مَعْرُوفًا وَ يَحْصَلَ عَلَى الشَّهَادَةِ الْجَامِعِيَّةِ فَأَسَاعِدُهُ.

- ۱ دوست معلولی دارم که دوست دارد معروف شود و مدرک دانشگاهی به دست آورد؛ لذا یاری‌اش نمودم.
- ۲ برای دوست معلولی که دوست دارد معروف شود و مدارک دانشگاهی به دست آورد یاریگر هستم.
- ۳ دوست معلولی دارم که دوست دارد معروف شود و مدرک دانشگاهی به دست آورد، لذا او را کمک می‌کنم.
- ۴ برای دوست معلولم که می‌خواهد معروف شود مدرک دانشگاهی گرفتم و او را یاری نمودم.

۷۲۷. إِنْ يَطْلُبُ أَحَدُكُمْ مَوْعِظَةً تَمْنَعُهُ عَنْ إِرْتِكَابِ الْمَعَاصِي انْصَحْهُ بِالتَّزَامِ الصَّدَقِ.

- ۱ اگر یکی پندی از تو بخواهد تا از ارتکاب گناهان بازدارد، او را به پایبندی به دوستی اندرز بدهید.
- ۲ اگر یکی از تو اندرز بخواهد که وی را از ارتکاب گناهان بازدارد، به پایبندی به راستگویی پندش بده.
- ۳ اگر از تو اندرز خواسته شود که یکی را از ارتکاب گناهان بازدارد، او را به پایبندی به دوستی پند بده.
- ۴ اگر کسی از تو پندی بخواهد که از ارتکاب گناهان بازداشته شود، او را به پایبندی به راستگویی پند بده.

۷۲۸. عَيْنُ الْخَطَا:

۱. قَدْ مَنَّ الْمُؤْمِنُ عَنْ سَبِّ الْأَخْرَيْنَ: مؤمن را از دشنام دادن به دیگران منع کرده است.
۲. عَلَيْهِ أَنْ يَتَّعَدَّ عَنْهُ وَلَا يَعْمَلْ بِهِ: باید از آن دور شود و به آن عمل نکند.
۳. لِيَرْضَى الرَّحْمَنُ: برای اینکه خداوند بخشنده را خوشنود سازد.
۴. وَيُسَخِّطَ الشَّيْطَانَ وَيُعَاقِبَ عَدُوَّهُ: و شیطان را خشمگین کند و دشمنش را کیفر دهد.

۷۲۹. «وَجَدْتُ طَرِيقَ عِلَاجِي فِي مَقَالَاتِ الَّتِي قَدْ كُتِبَتْ فِي الْمَجَلَّاتِ الطَّبِيَّةِ عَنْ عَوَامِلِ تُسَكِّنُ آلَامَ الْمَفَاصِلِ!» راه درمانم را در..... (انسانی ۹۱، با تغییر)

۱. مقاله‌هایی پیدا کردم که در مجله‌های پزشکی نوشته شده است راجع به عواملی که دردهای مفاصل را آرام می‌کند!
۲. مقاله مجلات پزشکی پیدا کردم که درباره عاملی که دردهای مفاصل را آرام می‌کند نوشته شده است!
۳. مقاله‌هایی که درباره عوامل کاهش‌دهنده دردهای مفاصل، در مجلات پزشکی نوشته می‌شود، پیدا کردم!
۴. مقالاتی پزشکی مجله‌ها پیدا کردم آن‌جا که درباره عوامل آرام کننده دردهای مفاصل نوشته شده بود!

۷۳۰. «شَعَرْتُ أَنَّ الشَّيْطَانَ يُقَهِّقُهُ وَيَسَخِّرُ مِنِّي عِنْدَ عُصْيَانِي رَبِّي!»..... (انسانی، ۹۰)

۱. گویی شیطان قهقهه می‌زد و مرا مسخره می‌کرد زمانی که پروردگارم را نافرمانی کردم!
۲. هنگام نافرمانی‌ام از پروردگارم احساس کردم که شیطان قهقهه می‌زند و مرا مسخره می‌کند!
۳. هرگاه بر پروردگارم عصیان می‌کنم احساس می‌کنم مورد تمسخر و قهقهه شیطان واقع شده‌ام!
۴. احساس کردم گویی این قهقهه شیطان است که هنگام عصیان من بر پروردگارم مرا مسخره می‌کند!

۷۳۱. عَيْنُ الْخَطَا:

۱. تَرْفَعُ رَأْيَ الشَّيْطَانِ فِي الْفِتَنِ: پرچم شیطان را در همه فتنه‌ها بالا می‌بری!
۲. لَوْ كُنْتَ مِنْجَمًا لِرَأْيِكَ كَيْفَ انْقَلَبَتِ النُّجُومُ: اگر ستاره‌شناس می‌بودم نحوه تغییر ستارگان را می‌دیدم!
۳. مَنْ يَتَعَبُ نَفْسَهُ فِي الْعَمَلِ الْمُتَوَاصِلِ يُصْبِحُ نَاجِحًا: آن که خود را با کارهای متوالی به سختی انداخت موفق می‌شود!
۴. مِنَ الْعُلَمَاءِ مَنْ يَبْدُلُ ظُلْمَاءَ الْجَهْلِ بِنُورِ الْعِلْمِ: عده‌ای از دانشمندان تاریکی جهل را به نور علم تبدیل می‌کنند!

۷۳۲. «جَاءَتْ صَدِيقَتَايَ إِلَى بَيْتِنَا فِي الْيَوْمِ الْخَامِسِ مِنَ الشَّهْرِ فِي السَّاعَةِ الرَّابِعَةِ.»..... (تجربی، ۸۸، با تغییر)

۱. ساعت پنج روز چهارم ماه دو دوستم به خانه ما آمدند.
۲. ساعت چهار روز پنجم هر ماه دوستم به خانه ما آمد.
۳. ساعت چهار روز پنجم ماه دوستان به خانه ما آمدند.
۴. ساعت پنج روز چهارم ماه دوستم به خانه ما می‌آیند.

۷۳۳. كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَحِبُّ الْأَطْفَالَ حَقًّا وَيُلْقَاهُمْ فَرَحًا وَمُبْتَسِمًا..... (تجربی ۸۶، با تغییر)

۱. رسول خدا بچه‌ها را حقیقتاً دوست می‌داشت و شادان و خندان با آن‌ها برخورد می‌کرد.
۲. رسول خدا بچه را دوست می‌داشت و شاد و خندان با آن‌ها برخورد می‌کرد.
۳. رسول خدا بچه‌ها را حقیقتاً دوست دارد و شادان و خندان با آن‌ها برخورد می‌کند.
۴. رسول خدا حقیقتاً دوست داشت با بچه‌ها شادان و خندان برخورد کند.

آزمون ترکیبی عربی دهم و یازدهم

عَيْنُ الْأَصَحِّ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجُمَةِ لِلْأَسْئَلَةِ رَقْمِ (۸ - ۱):

۷۳۴. «هَلْ سَجَلْتُ مُنْظَمَةَ الْيُونَسْكَو غَابَاتِ الْبُلُوطِ فِي إِيْلَامٍ فِي قَائِمَةِ الثَّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؟»

۱. آیا سازمان یونسکو جنگل‌های بلوط در ایلام را در لیست میراث جهانی به ثبت رساند؟
۲. آیا یونسکو جنگل بلوط در ایلام را در لیستی از میراث جهانی به ثبت رساند؟
۳. آیا سازمان یونسکو جنگل‌های بلوط را در استان ایلام در موزه میراث جهانی به ثبت رسانده بود؟
۴. آیا تشکیلات یونسکو جنگل‌های بلوط در ایلام را در فهرست آثار جهانی ثبت می‌کرد؟

۷۳۵. «يَشْكُرُ الْمُدِيرُ عَنِ التَّلَامِيذِ الَّذِينَ شَعَرُوا بِالمَسْئُولِيَّةِ وَعَمَلُوا بِوِاجِبَاتِهِمُ الْمَدْرَسِيَّةِ.» مدير از

۱. دانش‌آموزان که احساس مسئولیت کردند و تکالیف مدرسه را انجام دادند، سپاس‌گذاری می‌کند.
۲. دانش‌آموزانی که احساس مسئولیت کردند و تکالیف مدرسه‌شان را انجام دادند، تشکر می‌کند.
۳. دانش‌آموزانی که احساس مسئولیت کرده بودند و تکالیف مدرسه‌شان را انجام داده بودند، تشکر می‌کند.
۴. دانش‌آموزان که احساس مسئولیت کردند و تکالیف مدرسه را انجام داده‌اند، تشکر می‌کند.

۷۳۶. «لِمَاذَا تُحِبُّ صَدِيقَاتِكَ أَنْ يُزَيَّنَ صَفْهُنَّ الصَّغِيرَ لِحَفْلَةِ مِيلَادِ النَّبِيِّ (ص).»

- ۱ چرا دوستان دوست دارند که کلاس کوچکشان را برای جشن میلاد پیامبر تزئین کنند؟
- ۲ برای چه دوستان دوست داشتند که کلاس کوچکشان را برای جشن میلاد پیامبر تزئین کنند؟
- ۳ چرا دوستان دوست داشتند که کلاس کوچک را برای جشن میلاد پیامبرشان تزئین کنند؟
- ۴ برای چه دوستان دوست دارند که کلاسشان را برای جشن کوچک میلاد پیامبر تزئین کنند؟

۷۳۷. «قَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ أَلْفَاظُ فَارِسِيَّةٍ كَثِيرَةٌ بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ.»

- ۱ به دلیل بازرگانی و واردشدن ایرانیان در عراق و یمن بسیاری از واژگان فارسی ترجمه شده بودند.
- ۲ الفاظ بسیار فارسی با تجارت و ورود ایرانی به عراق و یمن به عربی منتقل شده است.
- ۳ الفاظ عربی زیادی به دلیل تجارت و ورود ایرانیان به عراق و یمن به فارسی برگردانده شده است.
- ۴ به دلیل تجارت و ورود ایرانیان در عراق و یمن الفاظ فارسی بسیاری به عربی منتقل شده است.

۷۳۸. «لَهُ غِشَاءٌ خَاصٌّ كَالْمِظَلَّةِ يَفْتَحُهُ حِينَ يَقْفُزُ مِنْ شَجَرَةٍ إِلَى شَجَرَةٍ أُخْرَى.»

- ۱ هنگامی از درختی به درخت دیگری می پرید پوشش خاص همچون چتر را گشود.
- ۲ پوشش خاصی همچون چتر دارد که آن را می گشاید هنگامی که از درختی به درخت دیگری می پرد.
- ۳ دارای پوشش خاصی همچون چتر است که می گشاید زمانی که از درختی به درخت آخر می پرد.
- ۴ هنگامی که از درختی به درخت دیگری می پرد پوشش خاصی را همچون چتر می گشاید.

۷۳۹. «حَيَاتُنَا جَمِيلَةٌ، عَلَيْنَا أَنْ نَنْتَفِعَ بِهَا وَنُنْفَعَ الْآخَرِينَ.»

- ۱ زندگی ما زیباست، ما باید که با آن سود برسائیم و دیگران هم سود ببرند.
- ۲ زندگی زیبای ماست، که بر ما لازم است که از آن سود برده و به دیگران سود برسائیم.
- ۳ زندگی زیبای ما لازم است که با آن سود برسائیم و دیگران هم سود ببرند.
- ۴ زندگی ما زیباست، بر ما لازم است که از آن سود ببریم و به دیگران سود برسائیم.

۷۴۰. «إِنْ تُحَاوِلْ رُؤْيَا جَنَاحِيهِ لَا تَقْدِرُ، أُنْذِرُ لِمَاذَا؟»

- ۱ اگر می خواهی بالهای من را ببینی نمی توانستی، آیا می دانی چرا؟ ۲ اگر بخواهد بالهایش دیده شود نمی تواند، آیا می دانی چرا؟
- ۳ اگر بخواهی بالهایش را ببینی نمی توانی، چرا نمی دانی؟ ۴ اگر بخواهی بالهایش را ببینی نمی توانی، آیا می دانی برای چه؟

۷۴۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ.» قَبْلَ أَنْ تَوْ.....

- ۱ پیامبرانی را به سوی قومشان فرستاده بودیم پس آن ها با دلایلی آمدند.
- ۲ فرستادگانی را به سوی قوم خود فرستادیم لذا آن ها با دلایلی آمدند.
- ۳ فرستادگانی را به سوی آن قوم می فرستیم پس برایشان دلایلی می آورند.
- ۴ پیامبرانی را به سوی قومشان فرستاده ایم پس برای آنان دلایلی آوردند.

(سراسری ریاضی ۸۹)

۷۴۲. «إِنْ يَسْتَعِدُّ الْإِنْسَانُ مِنَ الْعُنَاوَةِ السَّكَّرِيَّةِ أَكْثَرَ مِنَ الْإِزْمِ، يُصَبُّ بِالْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ!»

- ۱ اگر انسان بیش از حد از مواد قندی استفاده کند به بیماری های مختلف دچار می شود!
- ۲ اگر انسان بیش از حد نیازش مواد قندی مصرف کند بیماری های مختلف به او آسیب می رساند!
- ۳ انسان چنانچه از مواد قندی بیشتر از نیاز استفاده کند بیماری های مختلفی به او ضرر می رساند!
- ۴ استفاده بیش از حد از مواد قندی برای انسان ضرر دارد و او را به بیماری های مختلف دچار می کند!

(سراسری زبان ۸۸)

۷۴۳. «لَا تَتْرَكُوا شَيْئًا مِنْ أَمْرِ دِينِكُمْ لِإِصْلَاحِ دُنْيَاكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ عَلَيْكُمْ مَا هُوَ أَضْرُّ مِنْهُ!»

- ۱ نباید دین را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک کرد، زیرا باب آن چه که از آن کمتر ضرر بخش تر است بر شما باز می شود!
- ۲ آنچه از امور دینی است برای اصلاح دنیایان نباید رها شود، زیرا خداوند چیزی را بر شما می گشاید که از آن زیان بارتر است!
- ۳ چیزی از امر دینتان را به خاطر اصلاح دنیای خود ترک نکنید، که خدا آن چه را که ضررش از آن بیش تر است بر شما می گشاید!
- ۴ امری از امور دینتان را به خاطر امور دنیا رها نکنید، زیرا چیزهایی به شما روی می آورند که زیان آن ها بیش تر است!

(سراسری ریاضی ۹۴)

۷۴۴. «كَانَتْ أَشَعَّةُ الْقَمَرِ الْفَضِيَّةِ الْمُتَكَوِّنَةُ مِنْ سَبْعَةِ أَلْوَانٍ تَخْلُبُ قُلُوبَنَا، عِنْدَمَا كُنَّا نَمْشِي بِهَدْوٍ عَلَى تَلَالِ (تپه ها) الزَّمَلِ!»

- ۱ اشعه ماه نقره ای رنگ تشکیل شده از هفت رنگ، دل های ما را شیفته کرده بود، آن زمان که آرام بر تپه هایی از شن راه می رفتیم!
- ۲ اشعه نقره ای رنگ ماه با رنگ های هفتگانه اش، دل ها را شیفته می کرد، آن گاه که ما به آرامی بر تپه هایی شنی راه می رفتیم!
- ۳ وقتی با آرامش بر تپه های شن راه می رفتیم، نور نقره ای فام ماه که از هفت رنگ تشکیل شده بود، دل های ما را می ربود!
- ۴ هنگامی که آرام بر تپه های شنی قدم می زدیم، نور ماه نقره ای رنگ که هفت رنگ داشت، دل ها را می ربود!

(سراسری تجربی ۹۳)

۷۴۵. «الْغَدُ الْمُضَىٰ يَتَعَلَّقُ بِمَنْ يَعْرِفُ الْيَوْمَ وَيَنْتَفِعُ بِهِ بِأَحْسَنِ وَجْهِ!»

- ۱ فردای روشنی بخش از آن کسی است که امروز را بشناسد و از آن به بهترین وجه سود می برد!
- ۲ فردای روشن است که متعلق به کسی باشد که امروز را دریافته و نفع خوبی از آن گرفته باشد!
- ۳ فردایی که درخشان است به کسی تعلق دارد که امروزش را می شناسد و برترین نفع را از آن می برد!
- ۴ فردای فروزان است که از آن کسی باشد که امروز را بشناسد و به بهترین صورت از آن سود برده باشد!

(سراسری هنر ۹۳)

۷۴۶. «لَا تَنْتَظِرْ إِلَى صِغَرِ هَذِهِ النَّمْلَةِ الصَّغِيرَةِ، فَهِيَ صَانِعَةُ كَبِيرَةٍ وَمُهَنْدِسَةُ حَادِقَةٍ فِي بَطْنِ الْأَرْضِ!»

- ۱ به کوچکی این مور کوچک نگاه مکن، چه او در دل زمین سازنده ای بزرگ و مهندسی ماهر است!
- ۲ به خردی این مورچه خرد نظر میفکن، زیرا او صانع بزرگ و مهندس پرقدرت اعماق زمین است!
- ۳ این مورچه را کوچک مپندار، زیرا او سازنده ای بزرگ و مهندسی حاذق است در اعماق زمین!
- ۴ خردی مور کوچک را منکر، چه او در اعماق زمین یک صانع بزرگ است و یک مهندس توانا!

۷۴۷. «قد هيأ الطلاب أنفسهم لامتحان نهاية السنة و قاموا بأداء تكاليفهم»..... (سراسری ریاضی ۸۴)

- ۱ دانش‌جویان خویش را برای امتحانات پایان سال مهیا کرده بودند، لذا تکالیفی را انجام دادند.
- ۲ شاگردان برای مهیا کردن خویش برای امتحان پایان سال اقدام به انجام تکالیف خود کردند.
- ۳ دانش‌آموزان خودشان را برای امتحان پایان سال آماده کردند و به انجام تکالیف خود پرداختند.
- ۴ دانش‌آموزان برای آماده شدن خود به‌خاطر امتحانات پایان سال به ادای تکالیف خود اقدام کردند.

۷۴۸. «تجد في بعض الآثار و الرسائل العلمية في العالم نظريات كانت قد طرحت لأول مرة من جانب العلماء المسلمين»..... (سراسری هنر ۸۵)

- ۱ ما در برخی آثار و نوشته‌های علمی دنیا به نظراتی برخورد کرده‌ایم که اولین بار از سوی دانشمندان مسلمان مطرح شده است.
- ۲ در بعضی آثار و رساله‌های علمی در جهان نظریه‌هایی می‌یابیم که برای اولین بار از جانب دانشمندان مسلمان مطرح شده بود.
- ۳ در نشانه‌ها و رساله‌های علمی جهان بعضی تئوری‌ها را می‌بینیم که برای بار اول از طرف علمای مسلمین طرح شد.
- ۴ در آثار و کتب علمی در دنیا ما به برخی نظریات از سوی علمای مسلمان برای بار اول برخورد می‌کنیم.

۷۴۹. «قد أنشد هذا الشاعر أبياتاً متعددة في وصف العلم و العالم ليقرأها في مجلس تكريم العلماء الكبار»..... (سراسری تجربی ۹۲)

- ۱ شاعران بی‌شماری ابیاتی در مورد دانش و دانشمند سروده‌اند تا در مجالس بزرگداشت علمای بزرگ خوانده شود!
- ۲ این شاعر ابیات متعددی را در وصف علم و عالم سروده تا آن‌ها را در مجلس بزرگداشت دانشمندان بزرگ بخواند!
- ۳ بیت‌های فراوانی را این شاعر درباره علم و عالم می‌سراید تا در مجلسی برای تکریم دانشمندان بزرگ آن‌ها را بخواند!
- ۴ در توصیف دانش و دانشمند این شاعر بیت‌های زیادی سروده است تا در همایش بزرگ علمای بزرگ خوانده شود!

۷۵۰. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱ کان لِصَدِيقِي مَرَضٌ جَلَدْتُ فذهبتُ إِلَى الطَّبِيبِ: دوستم بیماری پوستی دارد، پس نزد پزشک رفت.
- ۲ فَحَصَّ الطَّبِيبُ جِلْدَ يَدَيْهِ وَ رَجُلِيهِ: پزشک پوست دست و پاها را معاینه کرد.
- ۳ ثُمَّ كَتَبَ لَهُ حَبُوباً مُهَذَّتَةً وَ الْقَطْنَ وَ مَرَهْماً لِحَسَّاسِيَةِ الْجِلْدِ: سپس او قرص‌های مسکن و پنبه و پماد برای حساسیت پوست نوشت.
- ۴ أَعْطَاهُ الصِّدِّيقُ الْأَدْوِيَةَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَى الْوَصْفَةِ وَ أَخَذَ مِنْهُ ثَمَنَهُ: داروخانه‌دار داروهای نوشته‌شده بر روی نسخه را به او داد و بهایش را از او گرفت.

۷۵۱. عَيْنَ الصَّحِيحِ:

- ۱ إِنْ كُنْتُمْ فِي الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَهْدِكُمُ اللَّهُ فِي حَيَاتِكُمْ: اگر به راه مستقیم باشید خداوند در زندگی‌تان شما را هدایت می‌کند!
- ۲ مِنْ أَيْنَ أَعْرِفُ مَاذَا قَصْدُكَ!: از کجا بدانم که منظور تو چه خواهد بود!
- ۳ إِنْ التَّأَمَّلَ فِي الْقُرْآنِ يَغْيَرُ أَسْلُوبُنَا فِي الْحَيَاةِ: با دقت کردن در قرآن روش ما در زندگی دگرگون می‌شود.
- ۴ كُنْ صَادِقاً وَ لَا تَخْلِفْ وَعْدَكَ فَتَتَخَلَّصَ مِنَ الْخَطَايَا: در وعده‌ات صادق بودی و تخلف نمی‌کردی در نتیجه از خطاهای رایج یافت!

۷۵۲. عَيْنَ الْخَطَأِ:

- ۱ إِلَهِي اجْعَلْ لِي عِلْماً يَنْفَعُ النَّاسَ. خدایا برایم علمی را قرار ده که مردم سود ببرند.
- ۲ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ دُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ. و به تو پناه می‌برم از دعایی که شنیده نشود.
- ۳ اللَّهُمَّ اهْدِنِي إِلَى سَبِيلِ تَحَبُّهِ. خدایا مرا به راهی هدایت کن که آن را دوست داری.
- ۴ وَ إِلَى أَعْمَالٍ صَالِحَةٍ نَسَاعِدُ بِهَا الضُّعَفَاءَ. و به کارهای نیکی که به وسیله آن‌ها ناتوانان را یاری کنیم.

۷۵۳. عَيْنَ الْخَطَأِ:..... (سراسری زبان ۸۴)

- ۱ شَاهَدْتُ مُسْكِيناً يَطْلُبُ مَنِي الْمُسَاعَدَةِ! نیازمند را دیدم که از من طلب کمک کرده بود!
- ۲ عَلَيْكَ أَنْ تُصَادِقَ الْأَبْرَارَ دَائِماً لَا الْأَشْرَارَ! بر تو است دائماً با نیکان دوستی کنی نه با بدان!
- ۳ فِي بَدَايَةِ الْأَمْرِ لَمْ يُشَاهِدِ الطَّالِبُ تَقَدُّماً فِي دُرُوسِهِ! در ابتدای کار، دانش‌آموز پیشرفتی در درس‌هایش ندید!
- ۴ الْكُتُبُ الْمَفِيدَةُ تُبْعَدُنَا عَنِ الضَّلَالَةِ وَ الْجَهَالَةِ! کتاب‌های سودمند ما را از گمراهی و جهل دور می‌سازند!

درک مطلب کتاب دهم و یازدهم

کتاب دهم

۲۲۷.....	درس اول
۲۳۰.....	درس دوم
۲۳۲.....	درس سوم
۲۳۴.....	درس چهارم
۲۳۶.....	درس پنجم
۲۳۸.....	درس ششم
۲۴۰.....	درس هفتم
۲۴۲.....	درس هشتم

کتاب یازدهم

۲۴۵.....	درس اول
۲۴۷.....	درس دوم
۲۴۹.....	درس سوم
۲۵۱.....	درس چهارم
۲۵۴.....	درس پنجم
۲۵۷.....	درس ششم
۲۶۰.....	درس هفتم



درک مطلب و جملات مفهومی

درواقع، هدف اصلی کتاب‌های نظام جدید تقویت قدرت درک مطلب شماست. در این بخش، برای هر درس دو متن آمده است که متن اول خلاصه‌ای از متن اصلی کتاب درسی و متن دوم متنی از کنکورهای سال‌های گذشته است که هم فضای آن با متن درس سازگار است و هم دایره واژگان به کار رفته در آن با دایره واژگان کتاب‌های درسی شما یکسان است.

علاوه بر این، ما سؤالات مفهومی و مکالمه‌ای و قرابت معنایی را هم در این در این بخش قرار داده‌ایم، چون برای پاسخ‌گویی به این سؤالات نیازی به ترجمه نیست و یافتن جواب درست این سؤالات به به درک درست مفهوم وابسته است. درواقع، روح این سؤالات با سؤالات درک مطلب یکی است. همچنین، در این بخش، علاوه بر ۱۵۰ تست، گزیده‌ای از جملات مفهومی مهم هر درس هم برای شما گردآوری و ارایه شده است.

فصل پنجم

جمع بندی قواعد کتاب دهم و یازدهم

اسم از نظر جنس:

- * مذکر: مثل (المُعَلِّم)
- * مؤنث: یکی از علائم آن «ة» است؛ مثل: المعلِّمة
- * بعضی اسم‌ها «ة» ندارند ولی مؤنث هستند مثل اُمّ. در اسم‌های جمع، برای تشخیص جنس به مفرد آن توجه کنید.

اسم از نظر تعدد:

- * مفرد: دلالت بر «یکی» می‌کند؛ مثل: المعلِّم / المعلِّمة
- * مثنی: دلالت بر دو تا می‌کند؛ (اسم مفرد + «ان» یا «تین»)، مثل: المعلِّمان - المعلِّمان / المعلِّمات - المعلِّمات
- * جمع: دلالت بر بیش از دو تا می‌کند
- * انواع جمع:
 - * سالم مذکر: اسم مفرد + «ون» یا «ین»؛ مثل: المعلِّمون / المعلِّمین
 - * سالم مؤنث: اسم مفرد + «ات»؛ مثل: المعلِّمات
 - * مکسر: مفرد کلمه تغییر می‌کند؛ مثل کتاب ← کُتُب

اسم اشاره:

- * نزدیک:
 - * مذکر: هذا (ذا) - هذان، هذین - هؤلاء (این - این دو - این‌ها)
 - * مؤنث: هذه - هاتان، هاتین - هؤلاء
- * دور:
 - * مذکر: ذلِکَ (ذاک) - اولِیکَ (آن - آن‌ها)
 - * مؤنث: تِلْکَ - اولِیکَ
- * برای اشاره به جمع‌های غیرانسان «هذه و تلک» به کار می‌رود.

ضمایر:

- * آن‌هایی که جدا هستند:
 - * اول شخص: أنا / نحن (من / ما)
 - * دوم شخص: أنت، أنتِ / أنتم، أنتنَّ (تو / شما / شما)
 - * سوم شخص: هُوَ، هِیْ / هما / هم، هُنَّ (او / ایشان / ایشان)
- * آن‌هایی که به کلمه دیگری می‌چسبند:
 - * اول شخص: ی / نا
 - * دوم شخص: ک، ی / کما / کُم، کُنَّ
 - * سوم شخص: ه، ها / هما / هم، هُنَّ

انواع فعل:

- * ماضی ← فَعَلَ: انجام داد
- * ماضی منفی ← ما فعل: انجام نداد
- * امر: إفْعَلْ: انجام بده
- * نهی: لا تفْعَلْ: انجام نده
- * مضارع ← یَفْعَلْ: انجام می‌دهد
- * مضارع منفی (نفی) ← لا یَفْعَلْ: انجام نمی‌دهد
- * مستقبل ← سَیَفْعَلْ / سوفَ یَفْعَلْ: انجام خواهد داد
- * ماضی استمراری ← کان یَفْعَلْ: انجام می‌داد

وزن کلمه

اکثر کلمه‌ها سه حرف اصلی دارند (۳ حرف اصلی = ریشه کلمه) و بقیه حروف زائد هستند.

پیدا کردن وزن: قرار دادن «ف.ع.ل» به جای سه حرف اصلی:	مکتوب: مفعول کاتب: فاعل	←	ف.ع.ل = ک.ت.ب
--	----------------------------	---	---------------

موصوف و صفت / مضاف و مضاف‌الیه

- * **موصوف** ← اسمی که دارای یک ویژگی است.
- * **صفت** ← ویژگی یک اسم (در عربی صفت از نظر ظاهر شبیه موصوف است).
- * **مضاف** ← اسمی که به اسم بعد از خودش نسبت داده می‌شود.
- * **مضاف‌الیه** ← اسمی که بعد از مضاف می‌آید.
- * اگر اسمی هم صفت داشته * **در عربی:** اول مضاف می‌آید بعد صفت (خَاتَمُكَ الْجَمِيلُ)
- * **باشد و هم مضاف‌الیه:** * **در فارسی:** اول صفت می‌آید بعد مضاف‌الیه (انگشتر زیبای تو)

معادل‌های اشخاص در عربی و فارسی

* اول شخص	* متکلم وحده * متکلم مع الغير
* دوم شخص	* مفرد: مفرد مذکر مخاطب مفرد مؤنث مخاطب
* سوم شخص	* مفرد: مفرد مذکر مخاطب مفرد مؤنث مخاطب
	* جمع: مثنی مذکر غایب مثنی مؤنث غایب جمع مذکر غایب جمع مؤنث غایب

اعداد اصلی

- ۱ تا ۱۰ ← واحد، اثنان، ثلاثة، أربعة، خمسة، ستة، سبعة، ثمانية، تسعة، عشرة.
- * این اعداد ممکن است با «ة» یا بدون «ة» دیده شوند.
 - * کلمه بعد از عدد، معدود است ولی عدد ۱ و ۲ بعد از معدود خود می‌آیند.
 - * معدود ۳ تا ۱۰، به صورت جمع می‌آید و مضاف‌الیه است.
- ۱۱ تا ۱۹ ← أَحَدُ عَشَرَ، اِثْنَا عَشَرَ، ثَلَاثَةُ عَشَرَ، أَرْبَعَةُ عَشَرَ، خَمْسَةُ عَشَرَ، سِتَّةُ عَشَرَ، سَبْعَةُ عَشَرَ، ثَمَانِيَةُ عَشَرَ، تِسْعَةُ عَشَرَ (اول عدد و سپس معدود می‌آید که همیشه مفرد است)
- عقود** ← عَشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ، خَمْسُونَ، سِتُّونَ، سَبْعُونَ، ثَمَانُونَ، تِسْعُونَ. (اول عدد و سپس معدود می‌آید که مفرد و منصوب است) عقود ممکن است یا «ین» دیده شوند (عَشْرِينَ تِسْعِينَ)
- معطوف** ← واحد و عشرون تِسْع و تِسْعُونَ در این عددها اول یکان می‌آید/ اول عدد و سپس معدودی می‌آید که مفرد و منصوب است

اعداد ترتیبی

- * در مورد عدد یک:
 - * واحد ← اَوَّل
 - * واحدة ← اولی
- * روش ساخت:
 - * سایر اعداد:
 - * عدد اصلی به وزن «فَاعِل» می‌رود. (ثلاث ← ثالث)
 - * سِت ← سَادِس
 - * در ۱۱ تا ۹۹ فقط جزء اول به وزن فاعل می‌رود (الثالث عشر)

ساعت

- * با اعداد ترتیبی بیان می‌شود.
- * روش ساخت:
 - * بیان ساعت‌ها:
 - * در ساعت ۳ تمام ← في الساعة الثالثة تماماً
 - * ۳ و نیم ← في الساعة الثالثة و النِّصْف / ۳ و ۲۰ دقیقه ← في الساعة الثالثة و عشرين دقيقة
 - * یک ربع به ۳ ← في الساعة الثالثة اَلرَّابِعاً

علائم ریاضی

- * + ← زائد
- * - ← ناقص
- * × ← ضرب في (فی)
- * ÷ ← تقسیم على
- * = (يُسَاوِي) ← مساوی است با

تفاوت فعل ثلاثی مجرد و مزید

- * ثلاثی مجرد: صیغه مفرد مذکر غایب، در زمان ماضی، سه حرف اصلی دارد که همان ریشه فعل است.
- * ثلاثی مزید: در مفرد مذکر غایب در زمان ماضی، بیش از سه حرف دارد.
- * هر فعل ثلاثی مزید وزن خاصی دارد که به آن باب گفته می‌شود.
- * وقتی فعل به باب می‌رود علاوه بر ظاهر آن، معنی و کاربرد فعل نیز تغییر می‌کند

باب‌های ثلاثی مزید

- * استفعال (اِسْتَفْعَلَ، يَسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعَلْتُ) (اِسْتَعْفَرَ: بخشش خواست)
- * اِفْتَعَلَ (اِفْتَعَلَ، يَفْتَعِلُ، اِفْتَعَلْتُ) (اِجْتَمَعَ: جمع شد)
- * اِنْفَعَلَ (اِنْفَعَلَ، يَنْفَعِلُ، اِنْفَعَلْتُ) (اِنْفَتَحَ: باز شد)
- * تَفَعَّلَ (تَفَعَّلَ، يَتَفَعَّلُ، تَفَعَّلْتُ) (تَجَمَّعَ: جمع شد)
- * اَفْعَلَ (اَفْعَلَ، يُفْعِلُ، اَفْعَلْتُ) (اَذْهَبَ: برو)
- * تَفَعَّلَ: (فَعَّلَ، يُفْعِلُ، فَعَّلْتُ) (فَرَّخَ: شاد کرد)
- * مُفَاعَلَةٌ: (فَاعَلَ، يُفَاعِلُ، فَاعِلْتُ) (كَاتَبَ: با نامه‌نگاری کرد)
- * تَفَاعُلٌ: (تَفَاعَلَ، يَتَفَاعَلُ، تَفَاعَلْتُ) (تَكَاتَبَ: ... و ... با یکدیگر نامه‌نگاری کردند)

فاعل و مفعول

- * فاعل ← کلمه‌ای است که فعل را به آن نسبت می‌دهیم. (این کلمه یا درون فعل است یا بعد از آن)
- * مفعول ← اسمی است که فاعل، کار را بر سر آن انجام می‌دهد. (همه فعل‌ها مفعول ندارند).

فعل لازم و متعدی

- * فعل لازم ← فعلی است که برای کامل بودن، فقط به فاعل نیاز دارد. (رَجَعَ التِّلْمِیذُ مِنَ الْمَدْرَسَةِ)
- * فعل متعدی ← فعلی است که علاوه بر فاعل، به مفعول نیز نیاز دارد. (کَتَبَ التِّلْمِیذُ رِسَالَةً)
- * تشخیص فعل لازم و متعدی ← توجه به معنی فعل / وجود مفعول در جمله به معنای متعدی بودن فعل است

اجزاء جمله

- * فعل ← کلمه‌ای که بر انجام کاری در زمان معین دلالت کند.
- * فاعل ← کلمه‌ای که فعل را به آن نسبت می‌دهیم و بعد از فعل (بلافاصله یا با فاصله) در جواب چه کسی یا چه چیزی می‌آید.
- * مفعول ← کلمه‌ای که کار، بر آن انجام می‌شود. معمولاً بعد از فاعل و گاهی نیز قبل از آن می‌آید و علامت ظاهری آن **ـَ / ـِ / ـِین** است. (اگر آخر اسمی که مفعول است، «ات» داشته باشد، گاهی به جای حرکت **ـَ** حرکت **ـِ** می‌گیرد.
- * **اجزاء اصلی جمله فعلیه**
 - * اگر مفعول از ضمائر «ه، هما، ... نا» باشد قبل از فاعل می‌آید و به فعل می‌چسبد.
- * مبتدا ← معمولاً اول جمله می‌آید و آخر آن یکی از علامت‌های **ـَ / ـِ / ـِین** / **ونَ** دیده می‌شود.
- * اسم قبل از فعل، مبتدا محسوب می‌شود نه فاعل.
- * خبر ← دربارهٔ مبتدا، خبر می‌دهد و اگر یک اسم باشد آخرش **ـَ / ـِ / ـِین** / **ونَ** دیده می‌شود.
- * **اجزاء اصلی جمله اسمیه**
 - * فاعل، مفعول، مبتدا و خبر، هر یک ممکن است دارای صفت یا مضاف‌الیه باشند.
- * **تشخیص جمله فعلیه از اسمیه و تعیین تعداد جمله‌های یک عبارت**
 - * مهم این است که آیا جمله مورد نظر شما ترکیب مبتدا و خبری دارد یا فاعل و مفعولی.
 - * به تعداد فعل‌ها و مبتدا خبرهای موجود در یک عبارت، جمله وجود دارد.

کلمه

- * **مبنی** ← شکل و حرکت حرف آخرش تغییر نمی‌کند مانند ضمیرها، کلمات پرسشی و اسم‌های اشاره (اگر مثنی نباشند).
- * **معرب** ← شکل و حرکت حرف آخرش متناسب با نقشی که در جمله می‌گیرد تغییر می‌کند.

حالت‌های اعراب

- * **رفع** ← علامت‌های آن: **ـُ ، ـُ ، ـُ** ، ان (در مثنی)، وَنْ (در جمع مذکر)
- * **نصب** ← علامت‌های آن: **ـَ ، ـِ ، ـِین** (در مثنی)، یَنْ (در جمع مذکر)
- * **جر** ← علامت‌های آن: **ـِ ، ـِ ، ـِین** (در مثنی)، یَنْ (در جمع مذکر) (جر، مخصوص اسم است)
- * **جزم** ← علامت آن: **ـَ** (جزم، مخصوص فعل است)
- (کلمه‌ای که اعراب آن رفع باشد، مرفوع، نصب باشد منصوب، جر باشد مجرور و اگر جزم باشد، مجزوم نامیده می‌شود.

اعراب مربوط به نقش‌ها

- * فاعل، مبتدا، خبر ← مرفوع
- * مفعول ← منصوب
- * مضاف‌الیه ← مجرور
- * صفت ← مانند موصوفِ خودش
- * **«یَنْ» و «یَنْ»** ممکن است علامت منصوب یا مجرور باشند (به نقش کلمه در جمله توجه کنید)

این گزینه مهم خبر و مرفوع و علامت رفع آن ضمه است. (۴) «آهنگر ماهر درها را می‌سازد.» در این گزینه **الأبواب** مفعول و منصوب و علامت نصب آن فتنه است.

۲۹۰. ﴿گزینه﴾

سؤال گزینه صحیح را برای پر کردن جای خالی می‌خواهد. جای خالی جای خبر است و خبر باید مرفوع باشد. پس گزینه‌های ۲ و ۳ که در آن اسم منصوب یا مجرور داریم نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد. علاوه بر این، در این جمله خبر باید از نظر جنس با مبتدا (التلاميذ) که جمع مکسر و مفرد آن مذکر است هماهنگ باشد. پس **واقفات** هم نمی‌تواند پاسخ صحیح باشد. به این ترتیب گزینه ۱ درست است. شکل کامل جمله این گونه است: «**تلاميذ المذرسَة واقفون في الإصطاف الصّباحي**»

معنی جمله: «دانش آموزان مدرسه در صف صبحگاهی ایستاده‌اند.»

۲۹۱. ﴿گزینه﴾

سؤال غلط در اعراب صفت را می‌خواهد. در گزینه ۳، ترکیب «**المنطقتين الخلائتان**» نادرست است، زیرا صفت باید از نظر اعراب تابع موصوف باشد. در این جا **المنطقتين** مفعول و منصوب به «ی» است. پس صفت آن هم باید منصوب باشد. به این ترتیب، شکل صحیح این ترکیب به صورت «**المنطقتين الخلائتين**» است. **معنی جمله:** «دو منطقه جذاب را برای سفرمان انتخاب کردم.» **معنی سایر گزینه‌ها:** ۱) «پرستاران به کودکی که با اتومبیل قرمز تصارف کرده بود کمک کردند.» ۲) «گردشگران ایران را سرزمینی ممتاز برای گذراندن تعطیلات می‌بینند.» ۴) «به تکالیف دینی‌ام عمل می‌کنم و این ماه مقدس را دوست دارم.»

درس هفتم - عربی ۱۰

۲۹۲. ﴿گزینه﴾

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، فعل مجهول وجود داشته باشد. در گزینه ۴، فعل‌های **تأخذ** و **تسحب** می‌بینیم که این فعل‌ها مضارع هستند و با ضمه شروع می‌شوند و دومین حرف اصلی آن‌ها فتنه دارد. پس این فعل‌ها مجهول هستند و پاسخ گزینه ۴ است. **معنی جمله:** «ماهی‌ها به آسمان کشیده، به مکان دوری برده می‌شوند.» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) «پرستاران زن را در بیمارستان یاری کردند.» **ساعت** متعدی ماضی از باب **مفاعلة** است و سه حرف اصلی آن «س، ع، د» است. اگر این فعل می‌خواست مجهول باشد، باید دومین حرف اصلی آن مکسور می‌بود، ولی چنین نیست. علاوه بر این، این فعل هم فاعل دارد و هم مفعول پس قطعاً نمی‌تواند مجهول باشد؛ **الممرضتان** فاعل آن و مرفوع است، **المراة** مفعول آن و منصوب است. ۲) «شاعر قصیده تازه‌ای را می‌سراید.» **يُنشد** متعدی مضارع از باب **إفعال** است و سه حرف اصلی آن «ن، ش، د» است. اگر این فعل می‌خواست مجهول باشد، باید دومین حرف اصلی آن مفتوح می‌بود، ولی چنین نیست. علاوه بر این، این فعل هم فاعل دارد و هم مفعول پس قطعاً نمی‌تواند مجهول باشد؛ **الشاعر** فاعل آن و مرفوع است، **قصيدة** مفعول آن و منصوب است. ۳) «پسر ادب شد و از کارهای بد باز داشته شد.» با اینکه هر دو فعل این گزینه در فارسی به صورت مجهول ترجمه می‌شوند، در عربی این فعل‌ها مجهول نیستند. راه تشخیص این نکته بسیار راحت است؛ این‌ها فعل ماضی هستند و فعل ماضی مجهول باید با ضمه شروع شود، ولی هیچکدام از این دو فعل با ضمه شروع نمی‌شوند؛ پس قطعاً مجهول نیستند.

۲۹۳. ﴿گزینه﴾

سؤال فعل مجهول را در جمله داده شده می‌خواهد. **معنی جمله:** «مردم این جشن را «جشنواره باران» می‌نامند و جمع می‌شوند و شادی می‌کنند و پدرانشان گرامی داشته می‌شوند.» **يُكرمون** در این جمله مجهول است. این فعل مضارع است، با ضمه شروع می‌شود، و دومین حرف از حروف اصلی آن «ک، ر، م» مفتوح است. پس این فعل قطعاً مجهول است. **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) **يُسَمون**، اگرچه با ضمه شروع می‌شد، معلوم است؛ چون دومین حرف از حروف اصلی آن (س، م، و) فتنه نگرفته است. علاوه بر این، این فعل از افعال دو مفعولی است که هم فاعل دارد (ضمیر واو) و هم هر

دو مفعولش را: (هَذَا و **مهزجان**). (شناخت فعل‌های دومفعولی در برنامه درسی شما نیست، ولی برخی فعل‌های دومفعولی در کتاب‌های درسی شما به کار رفته اند که این فعل یکی از آن‌هاست.) ۲) **يتجمعون** فعل لازم است و هرگز مجهول نمی‌شود. ۳) **يفرحون** هم فعل لازم است.

۲۹۴. ﴿گزینه﴾

سؤال تعداد فعل مجهول را در جمله داده شده می‌خواهد. تنها فعل مجهول این جمله «**لا تُجَزون**» در گزینه ۱ است که حرکت گذاری فعل مجهول را دارد. سایر فعل‌های این جمله حرکت گذاری مجهول را ندارند؛ پس مجهول نیستند. **معنی جمله:** «بر شماست که از آنچه دوست دارید انفاق کنید و جزا داده نمی‌شوید، مگر به آنچه انجام می‌دادید (انجام داده‌اید).»

۲۹۵. ﴿گزینه﴾

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، همه فعل‌ها معلوم باشند. فعل‌های گزینه ۳ **أريد** (می‌خواهم) **أشعري** (می‌خرم) است که هر دو معلوم هستند؛ یعنی نه تنها شرایط حرکت گذاری مجهول را ندارند که مفعول هم دارند: **هذه** مفعول فعل اول و **ضمير** «ها» مفعول فعل دوم است. **معنی جمله:** «این داروها را می‌خواهم و آن را برای همکلاسی‌هایم می‌خرم.» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) «غذا خورده شده است، ولی من آن را نخوردم.» **أكل** در این گزینه مجهول است. ۲) «هی شناسمت و می‌دانم دوست واقعی در هنگام سختی شناخته می‌شود.» **يُعرف** در این گزینه مجهول است. ۴) «خداوند آرامشش را بر ما نازل کرد و ما گرامی داشته شدیم.» **أكرمنا** در این گزینه مجهول است.

۲۹۶. ﴿گزینه﴾

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، فاعل حذف شده است؛ یعنی فعل مجهول است. **خُلِّم** در گزینه ۳ مجهول است. این فعل ماضی است، با ضمه شروع شده، و حرف دوم اصلی آن کسره دارد. فعل‌ها در سایر گزینه‌ها معلوم هستند. **معنی جمله:** «از یک زن و مرد آفریده شدید.» **معنی سایر گزینه‌ها:** ۱) «دانش‌آموز به معلمش برای قدردانی از ایشان نگاه کرد.» ۲) «آنچه را خواهد می‌آفریند.» ۴) «بدانید او جاهلی است که برای پراکندن اختلاف میان شما تلاش می‌کند.»

۲۹۷. ﴿گزینه﴾

سؤال گزینه درست را برای پر کردن جای خالی می‌خواهد. این باتوجه به گزینه‌ها، در جای خالی باید فعلی از ریشه «ز، ر، ع» قرار گیرد. این فعل متعدی است و یا باید مفعولی منصوب داشته باشد یا باید مجهول شود. با دقت در ادامه جمله می‌بینیم که بعد از این فعل کلمه منصوبی وجود ندارد که بخواید مفعول فعل باشد؛ پس گزینه مناسب برای جای خالی باید مجهول باشد. به این ترتیب، گزینه‌های ۲ و ۳ که فعل مجهول دارند حذف می‌شوند. از دو گزینه باقی‌مانده گزینه ۱ مضارع برای مفرد مؤنث غایب است و گزینه ۴ ماضی برای مفرد مؤنث غایب. حال به نائب فاعل دقت می‌کنیم. **المحاصيل** جمع مکسر غیرانسان، فعل آن، مانند ضمیر یا اسم اشاره آن باید مؤنث بیاید. به این ترتیب، تنها کلمه مناسب برای جای خالی در گزینه ۱ قرار دارد. **معنی جمله:** «محصولات زراعی در مزرعه‌های کشاورزان کشور ما کشت می‌شود.»

۲۹۸. ﴿گزینه﴾

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن، همه افعال معلوم و مضارع باشد. گزینه ۲ شرایط پاسخ درست را دارد. **يُغرس** در گزینه ۱ مجهول است؛ **أُعلِن** در گزینه ۳ ماضی و مجهول است؛ **نُشاهد** در گزینه ۴ مجهول است.

۲۹۹. ﴿گزینه﴾

سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که نائب فاعل ندارد. یعنی فعل آن معلوم یا لازم است. **سَتشاهد** در گزینه ۳ فعل آینده معلوم است و مفعول آن **نجاح** است. پس این گزینه نائب فاعل ندارد. **معنی جمله:** «موفقیت دخترت را بعد از این روزها خواهی دید.» **بررسی سایر گزینه‌ها:** ۱) «به مؤمنان فرمان داده می‌شود که به معبودهای مشرکان دشنام ندهند.» **يُأمر** فعل مجهول مضارع و **المسلمون** نائب فاعل آن و مرفوع به «واو» است. ۲) «گروه دیگری برای بازدید از این مکان فرستاده شد.» **أرسل** فعل مجهول ماضی از باب **إفعال** و **فريق** نائب فاعل آن و مرفوع

شما می‌توانید با توجه به ترجمه «يوم الاثنين» گزینه‌های ۱ و ۳ را رد کنید و سپس در مقایسه دو گزینه ۲ و ۴ براساس موارد اختلاف در گزینه «دوازده» و «دوازدهمین» یا «رفتند» و «رفته بودند» و مقایسه آن‌ها با صورت سوال، گزینه ۳ را رد کنید. و باز هم فقط گزینه ۲ باقی می‌ماند.

۵۱۸. ◀ گزینه ۳

نکات کلیدی: نوع فعل، ترکیب وصفی و اضافی، ترجمه اسم اشاره و اسم پس از آن

بررسی گزینه‌های نادرست: لاتلبس فعل نهی است، یعنی «نبوش»؛ بنابراین «نمی‌پوشی» در گزینه ۱ نادرست است.
قميصک الأسود یعنی «لباس سیاه تو»؛ زیرا ضمیر «ک» مضافاً لیه «قميص» و «الأسود» صفت آن است. بنابراین، بر این اساس، «لباس تو سیاه است» در گزینه ۲ و ترجمه‌نشدن ضمیر «ک» در گزینه ۳ نادرست است؛ بنابراین تنها گزینه باقی‌مانده، گزینه ۴، نادرست است. علاوه بر این، در «هذا شارع مزدحم» شارع «لا» ندارد و پس معنی آن «این خیابان شلوغ است» خواهد بود؛ به همین دلیل، در گزینه‌های ۲ و ۳ «این خیابان شلوغی است» نادرست است. با مقایسه گزینه‌های ۱ و ۴، به تفاوت دو جمله می‌رسیم: «نمی‌پوشی» (گزینه ۱)، «پوش» (گزینه ۴). حال با توجه به فعل «لاتلبس»، گزینه ۱ رد می‌شود.

۵۱۹. ◀ گزینه ۳

نکات کلیدی: ترجمه اسم اشاره و اسم پس از آن، زمان فعل، ترکیب وصفی، مفرد و جمع.

بررسی گزینه‌های نادرست: يتخرج مضارع است و فاعل آن طلاب (دانشجویان) است، پس باید به صورت «فارغ التحصیل می‌شوند» ترجمه شود. بنابراین، «فارغ التحصیل شده‌اند» و «خرج شده‌اند» در گزینه‌های ۲ و ۴ نادرست هستند. در مقایسه گزینه‌های باقی‌مانده می‌بینیم: در عبارت «هذه جامعه كبيرة» اسم بعد از اسم اشاره «ال» ندارد؛ بنابراین معنای آن چنین است: «این دانشگاه بزرگی است»؛ پس «این دانشگاه، بزرگ است» در گزینه ۱ نادرست است و پاسخ صحیح گزینه ۳ است. علاوه بر این، «طلاب كثير» موصوف و صفت است، ولی در گزینه ۱ به صورت ترکیب وصفی ترجمه نشده است. همچنین، «سنة» (سال) مفرد است و «کل سنة» یعنی «هر سال» نه «همه سال‌ها»؛ پس گزینه ۲ هم نادرست است. و نیز، با توجه به مضارع بودن «يتخرج» گزینه‌های ۲ و ۴ رد می‌شوند و تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۳ است.

۵۲۰. ◀ گزینه ۱

نکات کلیدی: معنی واژه‌ها، ترجمه ساعت و عدد، جمع و مفرد، زمان فعل

بررسی گزینه‌های نادرست: اليوم یعنی «امروز» است؛ پس «روزی» در گزینه‌های ۳ و ۴ نادرست است. با مقایسه گزینه‌های ۱ و ۲ دو اختلاف می‌بینیم: «ساعت ۸ / آهوها» در گزینه ۱ و «درمدت هشت ساعت / آهویی» در گزینه ۲. الساعة الثامنة یعنی «ساعت ۸» و الغزلان جمع است، یعنی «آهوها»؛ پس گزینه ۲ هم نادرست است و تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۱ است. علاوه بر این، سنة ذئاب یعنی «شش گرگ»؛ پس «ششمین گرگ» و «گرگ ششم» در گزینه‌های ۳ و ۴ نادرست است؛ الساعة الثامنة یعنی «در ساعت هشت»؛ بنابراین «در مدت هشت ساعت» و «در هشت ساعت» در گزینه‌های ۲ و ۴ نادرست است. همچنین، هجمت ماضی است؛ پس «حمله کرده بود» در گزینه ۴ نادرست است. به علاوه، قرية مفرد است و موجب رد شدن «دهکده‌ها» در گزینه ۴ می‌شود. شما می‌توانید: با توجه به «في الساعة الثامنة» گزینه‌های ۲ و ۴ را رد کنید.

۵۲۱. ◀ گزینه ۳

نکات کلیدی: ترکیب اضافی و وصفی، مفرد و جمع، زمان فعل

بررسی گزینه‌های نادرست: يا أخى السخى یعنی «ای برادر بخشنده من»؛ چون السخى صفت «برادر» است و به یاد داریم که در عربی صفت بعد از مضاف‌الیه می‌آید ولی در فارسی اول مضاف‌الیه ذکر می‌شود. گزینه ۱ نادرست است و در گزینه ۲ هم که مضاف‌الیه یعنی ضمیر اصلاً ترجمه نشده است. پس هر دو گزینه غلط‌اند. همچنین، «شئ» مفرد است و معادل «هر چیزی» ترجمه می‌شود؛ پس «همه چیزها» در ۲ و ۴ نادرست است و تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۳ است. لاهو بر این، «ينقص» مضارع است؛ پس «کم شده است» و «کم شده‌اند» در گزینه‌های ۱ و

۴ نادرست است. به این ترتیب، شما می‌توانید با توجه به «أخى السخى» گزینه‌های ۱ و ۲ را رد کنید. سپس دو گزینه باقیمانده را مقایسه کنید و با توجه به اختلاف‌های آن‌ها، «هر چیزی / همه چیزها» و «کم می‌شود / کم شده‌اند» و انطباق آن با صورت سوال گزینه ۴ را هم رد می‌کند.

۵۲۲. ◀ گزینه ۱

نکات کلیدی: نوع و زمان فعل، مفرد و جمع، ضمیر

بررسی گزینه‌های نادرست: در گزینه ۲، لاتترك فعل نهی است یعنی «ترک نکنید»، ولی به صورت «ترک نمی‌کنید» ترجمه شده است. علاوه بر این، المشاكل یعنی «مشکلات» و ضمیری به آن متصل نشده است؛ پس «مشکلاتشان» نادرست است. یعنی این گزینه غلط است. در گزینه ۳، زان فعل ماضی ساده است، یعنی «زینت داد»؛ پس «زینت می‌داد» که ماضی استمراری است نادرست است. در گزینه ۴، الموظفین جمع است؛ یعنی «کارمندان» و أخذ الموظفین و یعنی «یکی از کارمندان»؛ پس «کارمندی» درست نیست. به این ترتیب فقط گزینه ۱ غلط ندارد و پاسخ سوال است.

۵۲۳. ◀ گزینه ۳

نکات کلیدی: معنی عبارت «كان لـ=داشت».

كان لأقوى یعنی «مادرم داشت»؛ بنابراین ترجمه جمله در گزینه ۳ نادرست است و پاسخ سؤال (۱) همین گزینه است.

درس دوم - عربی ۱۰

۵۲۴. ◀ گزینه ۳

نکات کلیدی: ترجمه عدد شمارشی، زمان فعل (كان+ مضارع)

بررسی گزینه‌های نادرست: ثلاث عدد شمارشی است و معادل عدد ۳ است، «ثلاث معلمات» یعنی «سه معلم» در گزینه ۲ «سومین معلم» آمده است و در گزینه ۴، «سی معلم»؛ بنابراین گزینه‌های ۲ و ۴ غلط هستند. با مقایسه گزینه‌های ۱، ۳ می‌بینیم که تفاوت آن‌ها در زمان فعل است. در گزینه ۱ فعل «كانت يتتظرن» به صورت «منتظر ماندند» ترجمه شده و در گزینه ۴ به صورت «منتظر می‌ماندند» می‌دانیم كان+ فعل مضارع معادل ماضی استمراری فارسی است؛ بنابراین گزینه ۱ هم نمی‌تواند درست باشد. تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۳ است.

۵۲۵. ◀ گزینه ۱

نکات کلیدی: زمان فعل، مفرد و جمع

بررسی گزینه‌های نادرست: در این جمله دو فعل وجود دارد: شگرت و طلبت. هر دو فعل ماضی هستند؛ بنابراین گزینه ۴ نادرست است چون فعل‌ها را مضارع ترجمه کرده است. در کلمه مصابيح و حجرات هر دو جمع هستند. مصابيح الحجرات یعنی «چراغ‌های اتاق‌ها»، بنابراین «چراغ‌های اتاق» در گزینه ۲ و «چراغ اتاق» در گزینه ۳ نادرست است. تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۱ است.

۵۲۶. ◀ گزینه ۳

نکات کلیدی: ضمیر، زمان فعل، معنی واژگان، معنی حرف «و» و «أم»

بررسی گزینه‌های نادرست: ضمیر «ی» در کلمه «أقوى» باید ترجمه شود. أقوى یعنی «مادر من»، بنابراین گزینه ۴ رد می‌شود. طنت فعل ماضی است، یعنی «گمان کرد» یا «تصور کرد»، بنابراین گزینه ۲ نادرست است. از مقایسه دو گزینه باقی‌مانده می‌بینیم که تفاوت گزینه‌ها در یک چیز است: «در حال تقویت» (گزینه ۱) و «زنگ تقویتی» (گزینه ۳)، از واژگان کتاب می‌دانیم که حصه تقوية یعنی «زنگ تقویتی» نه «در حال تقویت»؛ بنابراین گزینه ۱ هم نادرست است. علاوه بر این، أو یعنی «یا»، بنابراین گزینه ۱ باز هم غلط است.

۵۲۷. ◀ گزینه ۳

نکات کلیدی: ضمیر، زمان فعل، معنی فعل، عدد شمارشی

بررسی گزینه‌های نادرست: ضمیر «نا» در معلّمنا باید ترجمه شود. معلّمنا یعنی «معلم ما» یا «معلممان»، بنابراین گزینه ۳ نادرست است. «قام به» فعل ماضی است و معنای آن «اقدام کرد» است. در گزینه ۲ این فعل «مشغول می‌شود» معنی شده است که هم‌زمان آن اشتباه

۵۳۳. ﴿گزینه ۲﴾

نکات کلیدی: معنی فعل، معنی کلمه «المُدْرَسَةُ»، اسم اشاره و اسم بعد از آن، صفت.

بررسی گزینه نادرست: قِيلَتْ یعنی پذیرفت، المَدْرَسَةُ اسم فاعل است؛ یعنی «معلم» نه «مدرسه» همچنین، کلمه «إِقْتِرَاح» در «هذا الإِقْتِرَاحُ الحَسَنُ» «ال» دارد و «الحَسَنُ» صفت آن است. بنابراین معنی آن چنین است: «این پیشنهاد خوب» نه «این پیشنهاد به‌خوبی». پس گزینه ۳ به دلایل مختلف نادرست ترجمه شده و پاسخ سؤال (عَيْنُ الخطأ) است.

درس سوم - عربی ۱۰

۵۳۴. ﴿گزینه ۳﴾

نکات کلیدی: نوع فعل، مفرد و جمع، معنی فعل، ترجمه ضمیر **بررسی گزینه‌های نادرست:** کلمه الصُّور جمع است و معنی آن «تصویرها» یا «تصاویر» است. این کلمه در گزینه ۳ مفرد ترجمه شده است. پس گزینه ۳ نادرست است. از طرف دیگر در گزینه ۲ هم این کلمه در جای خودش ترجمه نشده است. در جمله داریم لا تَنْتَظِرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ الْخَيَالِيَّةِ یعنی «به این تصاویر خیالی نگاه نکن» ولی در گزینه ۲ آمده است «به این‌ها نگاه نکن که تصویرهای خیالی» یعنی به جای هذه الصور عبارت «این‌ها» آمده است که درست نیست. از مقایسه دو گزینه باقی مانده به دو تفاوت می‌رسیم: ترجمه فعل لا تَنْتَظِرْ در گزینه ۱ «نگاه نمی‌کنی» و در گزینه ۴ «نگاه نکن» است. و ترجمه فعل تُحَيِّرُ در گزینه ۱ «گیج نمی‌شوی» و در گزینه ۴ «گیج می‌کنند» است. به راحتی می‌بینیم که گزینه ۱ نمی‌تواند درست باشد چون «لا تَنْتَظِرْ» فعل نهی است و نیز معنی فعل تُحَيِّرُ «گیج می‌کند» است نه «گیج نمی‌شوی». البته دقت کنید که چون این «تصاویر» هستند که «گیج می‌کنند» در فارسی فعل به صورت جمع ترجمه شده است، ولی در عربی فعل به صورت مفرد مؤنث آمده است. به این ترتیب، تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۴ است. علاوه بر این می‌توانیم گزینه‌های ۱ و ۳ را به دلیل دیگری هم رد کنیم و آن این که ضمیر «كَ» در تُحَيِّرُكَ در آن‌ها ترجمه نشده است. برای مقایسه دو گزینه باقی مانده در این حالت هم باز به کلمه الصور دقت می‌کنیم و می‌بینیم گزینه ۲ غلط است.

۵۳۵. ﴿گزینه ۲﴾

نکات کلیدی: زمان فعل، ترجمه ضمیر، ترجمه کلمه مفروضة، مفرد و جمع **بررسی گزینه‌های نادرست:** در این جمله دو فعل وجود دارد که هر دو مضارع هستند، ولی در گزینه ۳ ماضی ترجمه شده‌اند، پس این گزینه غلط است. همچنین سه ضمیر داریم: يَأْخُذُهَا، تَنَاوِلُهَا در گزینه ۴ هیچ کدام از ضمیرها ترجمه نشده است؛ پس این گزینه هم غلط است. حال در مقایسه دو گزینه باقی مانده (گزینه‌های ۱ و ۲) می‌بینیم که تفاوت دو گزینه در دو چیز است: معنی کلمه مفروضة در گزینه ۱ «پر» و در گزینه ۲، «پوشیده» آمده است که از واژگان می‌دانیم که گزینه ۲ درست است. همچنین در گزینه ۱ «پختن و خوردن» آمده ولی در گزینه ۲ «پختن و خوردنشان» که نشان می‌دهد باز هم در گزینه ۱ ضمیر ترجمه نشده است. بنابراین تنها گزینه باقی مانده گزینه ۲ است.

۵۳۶. ﴿گزینه ۲﴾

نکات کلیدی: ترجمه اسم اشاره و اسم بعد از آن، ترجمه صفت، معنی فعل **بررسی گزینه‌های نادرست:** کلمه الظَّاهِرَةُ در عبارت هذه الظَّاهِرَةُ «ال» دارد، پس باید این ترکیب را به صورت «این پدیده» ترجمه کنیم و ترجمه «این پدیده‌ای است» برای این عبارت غلط است. به این ترتیب گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ غلط هستند و تنها گزینه باقی مانده گزینه ۲ است. علاوه بر این، کلمه طَوِيلَةٌ در ترکیب سنوات طَوِيلَةٌ صفت و به معنی «طولانی» است؛ بنابراین گزینه‌های ۳ و ۴ غلط هستند. تفاوت دیگر گزینه‌های ۱ و ۲ در ترجمه فعل حَيَّرَتْ است. این فعل یعنی: «متحیر کرد» یا «متعجب کرد». بنابراین گزینه ۲ صحیح است.

۵۳۷. ﴿گزینه ۱﴾

نکات کلیدی: معنی فعل، ترجمه ضمیرها، ترجمه عبارت «حاسوبی» **بررسی گزینه‌های نادرست:** بهترین نکته کلیدی در این سوال عبارت

است و هم معنی آن. در گزینه ۳ هم این فعل «به پا خاست» معنی شده که باز هم اشتباه است. «خَمَسَةُ عَشَرَ مِثَالًا» یعنی «پانزده مجسمه»؛ خَمَسَةُ عَشَرَ عدد شمارشی است پس معنی کردن آن به «پنجاه» (گزینه ۲) و «پانزدهم» (گزینه ۳) غلط است. یعنی گزینه‌های ۲ و ۳ به چندین دلیل نادرست هستند. تفاوت گزینه‌های باقی‌مانده در معنای دو کلمه است: تالی به معنی «بعد» و تمثال به معنی «مجسمه» است. در گزینه ۱ هر دو کلمه اشتباه معنی شده‌اند. تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۴ است.

۵۳۸. ﴿گزینه ۱﴾

نکات کلیدی: ترجمه اسم اشاره و کلمه بعد از آن، معنی فعل **بررسی گزینه‌های نادرست:** کلمه مُوَاطِنُونَ در عبارت هؤلاء مواطِنُونَ بدون «ال» است؛ بنابراین باید به صورت «این‌ها هموطنانی (یا شهروندانی) هستند» ترجمه شود. یعنی گزینه‌های ۳ و ۴ غلط هستند. از مقایسه دو گزینه باقی‌مانده می‌بینیم که تفاوت اصلی این دو گزینه در «احساس مسئولیت می‌کنند» (گزینه ۱) و «مسئولیت دارند» (گزینه ۲) است. عبارت «يَشْعُرُونَ بِالمَسْئُولِيَّةِ» یعنی «احساس مسؤولیت می‌کنند» پس گزینه ۲ نادرست است. تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۱ است.

۵۳۹. ﴿گزینه ۲﴾

نکات کلیدی: ترجمه اسم اشاره و کلمه بعد از آن، ترجمه عدد مرکب، مفرد و جمع **بررسی گزینه‌های نادرست:** کلمه الفَنْدُقُ در عبارت هذا الفَنْدُقُ هم مفرد است و هم «ال» دارد؛ بنابراین باید به صورت «این هتل» ترجمه شود؛ یعنی گزینه ۱ غلط است. عدد واحد و عشرون یعنی ۲۱؛ پس گزینه‌های ۳ و ۴ هم غلط هستند. تنها گزینه باقی‌مانده گزینه ۲ است. علاوه بر این، ترکیب «تِيَارُ الكَهْرَبَا» یعنی «جریان برق» که در گزینه ۳ نادرست است و عبارت «تَمَانِينَ فِي المِلَّةِ مِنْهَا» یعنی «هشتاد درصد آن‌ها یا هشتاد درصد از آن‌ها» پس گزینه ۳ غلط است.

۵۳۰. ﴿گزینه ۳﴾

نکات کلیدی: زمان و صیغه فعل، معنی فعل لیس، معنی کلمه کتابَة، مفرد و جمع، ترجمه اسم اشاره و کلمه بعد از آن **بررسی گزینه‌های نادرست:** تَعَلَّمَ مضارع برای مفرد مذکر مخاطب است؛ یعنی «می‌دانی». پس گزینه‌های ۱ و ۳ رد می‌شوند. از مقایسه دو گزینه باقی‌مانده می‌بینیم در گزینه ۲ «مناسب است» آمده و در گزینه ۴ «مناسب نیست». یعنی لیس «نیست» و عبارت لیس مِنَ المُنَاسِبِ یعنی «مناسب نیست»؛ پس گزینه ۲ نادرست است و تنها گزینه باقی‌مانده ۴ است. علاوه بر این، هذا الحَدِيثُ یعنی «این سخن» (رد گزینه‌های ۱ و ۳) اللوحة الجدارية مفرد است یعنی «تابلوی دیواری» (رد گزینه ۳) به این ترتیب همه گزینه‌ها، به جز گزینه ۴، به دلایل مختلف اشتباه هستند و تنها گزینه باقی مانده گزینه ۴ است.

۵۳۱. ﴿گزینه ۱﴾

نکات کلیدی: زمان و صیغه فعل، ترجمه عبارت «کانت مفتوحة» مفرد و جمع **بررسی گزینه‌های نادرست:** كَانَتْ تَذْهَبُ یعنی «می‌رفت» (معادل ماضی استمراری)؛ این فعل برای مفرد مؤنث غایب است. به این ترتیب گزینه‌های ۲ و ۳ و ۴ رد می‌شود و تنها گزینه باقی مانده گزینه ۱ است. علاوه بر این، الطالبة مفرد است. (رد گزینه ۳) مهم‌تر این که، عبارت «حَفِيَّةُ المَاءِ الَّتِي كَانَتْ مفتوحة» یعنی «شیر آبی که باز بود (یا باز مانده بود)». در این جا هر چند معنی در فارسی تغییر زیادی نمی‌کند، نمی‌توان جمله را به صورت صفت ترجمه کرد. یعنی «شیر آب باز مانده (گزینه ۲)» یا «شیر آب باز (گزینه ۴)» غلط هستند.

۵۳۲. ﴿گزینه ۳﴾

نکات کلیدی: عدد ترتیبی، معنی عبارت «ما أَجْمَلُ»، زمان فعل ماضی استمراری (كَانَ مضارع) **بررسی گزینه‌های نادرست:** الثَّانِيَةِ در گزینه ۱ عدد ترتیبی است؛ المَرَّةُ الثَّانِيَةِ یعنی «مرتب دوم». «دو بار» باعث رد این گزینه است. ما أَجْمَلُ در گزینه ۲ یعنی چه زیباست؛ «زیبا نیست» باعث رد این گزینه است. كَانْ يَعْيشُ معادل ماضی استمراری فارسی است، و معنی آن «زندگی می‌کرد» است. این باعث رد گزینه ۳ است و تنها گزینه باقی مانده گزینه ۴ است.